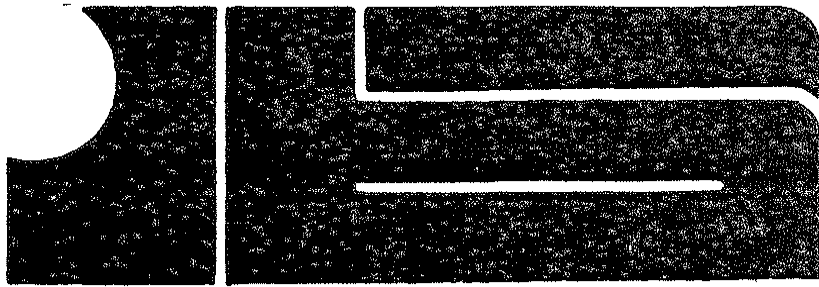


آزادی جاسوسان آمریکایی
ماهیت دولت جمهوری
اسلامی را هرچه بیشتر افشاء کرد



سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

کارگران و زحمتکشان
متحد شوید

سال دوم - شماره ۹۴

پنجشنبه ۲ بهمن ۱۳۵۹

۲۰ صفحه - ۲۰ ریال

دولت جمهوری
اسلامی با شرایط
خفت بباری با
امپریالیسم آمریکا
توافق کرد

در روزهای گذشته مطبوعات ایران
و جهان مطالبی را به حصول توافق
نهائی بین دولت ایران و دولت
امپریالیستی آمریکا بر سر مسئله
آزادی جاسوسان آمریکائی اختصاص
دادند.

سخنکوی دولت بهزاد نسوی نیز
دو شبیه شب در یک مصالحه مطبوعاتی
رئوس کلی این توافق را اعلام
داشت. توافقی که در اساسی از مدتها
پیش صورت گرفته بود و تنها احتیاج به
یک سری ریزه کاریهای دیپلماتیک
و حل پارهای خرده اختلافات داشت که
آن نیز میبایستی پس از یک دوره علی
الظاهر اولتیماتومهای متقابل و
مذاکرات محرمانه خاتمه پذیرد.

سخنکوی دولت در این مصالحه
مطبوعاتی خود چنان صحبت می کرد که
کوئی توافق بدست آمده کا ملائمت
دولت ایران بوده و امپریالیسم
آمریکا در تمام سلوچ عقب نشینی کرده
است و پیشنها دات ایران را پذیرفته
است. اما واقعیت غیر از این است و
ساعت در توضیحات ایشان هر آنسان
اندک آگاهی بی می برد که او کا ملا
دورغ می گوید و تمام زست هنسای
دیپلماتیکش جز فریب و تحمیق توده ها
نبوده در صفحه ۲

سالروز ۲۲ بهمن
قیام مسلحانه خلق
۱۹ بهمن، رستاخیز
سیاهکل را بشکوه
هرچه بیشتری برگزار کنیم

داغ ننگی که بر پیشانی شکنجه جمهوری اسلامی نیز حک شده است!

ما تا الله قصاب ها، فهمیم ها، خلعانی ها،
کجوتی ها و... بساط شکنجه را دوباره
احیاء کرده است. مردمی که خیانت
میکردند دخمه های شکنجه همراه با آلت
ابزارهای آن بصورت موزه در خواهد
آمد، جزو دبه اشتباه جویس پی سردند!
نقد در صفحه ۹

هنوز خاطره شکنجه های آریا مهری از
ذهن مردم قهرمان پرور ما ز دوده نشده
بود، و هنوز چند صاحبی از سخنر شکنجه -
کاههای مخوف ساواک شاه توسط توده
های قیام کننده در اوین و سلولهای کمیته
نگذشته بود که مردم با تابی وری اطلاع
یافتند که رژیم جمهوری اسلامی بدست

گرامی باد خاطر
سی و پنجمین سالگرد
اعلام خود مختاری
در کردستان

با فرا رسیدن دوم بهمن ماه، سی و
پنجمین سال از هنگامیکه فاضی محمد
رهبر شهید جنبش خلق کرد از طرف مجمع
ملی خلق کرد بعنوان رئیس حکومت
خود مختار کردستان انتخاب شد میگذرد.
حکومت خود مختار که در ۲ بهمن
۱۳۲۴ تشکیل شد، از همان آغاز مورد
کینه و دشمنی رژیم ارتجاعی حاکم بر
ایران قرار گرفت و با مقابله نیرو
های دولتی در سفر و سردشت رو به
گردید. اما حکومت خود مختار شهرهای
کردستان شمالی نظیر مها باد، میاندو -
آب، بوکان، خانه و نقده را از بر حاکمیت
خود داشت و شهر ارومیه نیز مشترکا توسط
نیمه در صفحه ۱۶

جنگ
واعتنی لای
نوپن مبارزات کارگران

در صفحه ۳

نگرشی کوتاه بر مراسم
بزرگداشت سالگرد
بازگشائی دانشگاه

در صفحه ۱۷

چگونه سرمایه داران
از جیره بندی
سود می ببرند

در صفحه ۱۱

در این شماره

● گزارشهای روستائی

● مردم چه میکنند،
مردم چه میخواهند؟

● هیئت حاکمه و مسئله ارضی

● اخبار کردستان

نابود باد امپریالیسم جهانی بسرگردگی امپریالیسم آمریکا و
پایگاه داخلیش

بقیه از صفحه ۱

و سرپوش کد کردن برروری واقعیات
حزب دیگری نیست .

اما در تمام محبتهای آقای نبوی
جزی که بواقعیت بیشتر نزدیک بود ،
در پاسخ به سؤال خبرنگار انقلاب
اسلامی ارگان جناحی از لیبیرالها بود که
وی با صراحت هدف و نقش گروگان گیری
را در زور آزمایی دو جناح اصلی هیئت
حاکمه یعنی لیبرالها و حزب جمهوری
اسلامی بیان داشت .

ما در مورد خلق شماره ۱ بتفصیل
دلایل و عللی را که منحربه تسخیر
جاسوخانه امیرالایسم آمریکا مسئله

تبرکات تکبیری شد مورد بررسی قرار دادیم
و حیدهای مختلف از جمله مبارزات
بوده ها ، بارشامتی روز افزون آنها از
هستند حاکمید سازشکار ، تضادهای
درونی هیئت حاکمه و نقش ، اهداف ، و
منافع آنها و ارزیابی این مسئله
پرداختیم

امروز بیش از پیش روشن شده است
و توده های زحمتکش میهن ما دریافته
اند که هیئت حاکمه پس از گذشت حدود
۱۲ ماه از تسخیر جاسوخانه امیرالایسم
آمریکا ، بنام مبارزه با امیرالایسم
نورده ها را فریب داده است و امروز با
شرایط خفت باری تسلیم امیرالایسم
دومش آمریکا شده است .

واقعیت این است که امروز توده -

های زحمتکش میهن ما بخوبی
درمی یابند که تسخیر جاسوخانه
امیرالایسم آمریکا عوض آنکه مقدمه ای
برای تشدید مبارزه ضد امیرالیستی
مبارزه با سرمایه داری وابسته ،
مبارزه با زمینداران بزرگ و تمایمی
عوامل وابادی امیرالیسم گردیده
صورت اهرمی برای مبارزه و زور آزمایی
در جناح فدائقلابی و ارتجاعی هیئت
حاکمه یعنی لیبرالها و حزب
جمهوری اسلامی در آمد .

توده ها یعنی می بینند که نه تنها
مبارزه ای واقعاً ضد امیرالیستی از سوی
هیئت حاکمه صورت نگرفت بلکه
حتی برای افشای چهره کریسه
امیرالیسم ددمنش آمریکا در سطح
جهانی از محاکمه جاسوسان نیز سرباز
زدوسرانجام از خواستهای قبیل از
گروگان گیری نیز گامی به عقب گذاشته
شد .

این مسائل بخوبی اهداف حزب
جمهوری اسلامی را در مسئله گروگان گیری
نشان میدهد . حزب جمهوری اسلامی در
طی این مدت کوشید تا با در دست
گرفتن این اهرم ، مواضع خود را در
مقابل جناح رقیب خویش در سطح
داخلی و ارگانهای اقتدار دولتی
تقویت و تحکیم کند .

اکنون حزب گام بعدی را در اجرای
امر تحکیم موقعیت خود در سطح جهانی
برداشته است و می کوشد تا با آزادی
گروگانهای جاسوسر مناسبات و روابط
حیدای با دولتهای امیرالیستی
برقرار کند بویژه این امر در شرایطی
برای حزب از اهمیت ویژه ای برخوردار
شده است که از یکسو از هم کسختگی و
بحران اقتصادی موجود و از سوی دیگر
بروز جنگ و تناجی حاکمه از آن ، به

دولت جمهوری اسلامی با شرایط خفت باری ...

تنها موقعیت حزب بلکه کل هیئت
حاکمیت را بخطر انداخته است .

حزب جمهوری اسلامی می کوشد تا با
حل هر چه سریعتر مسئله جاسوسان
آمریکایی زمینه را برای ورود سرمایه
ها و کالاهای امیرالیستی و نیز تامین
سلاحهای آمریکایی مساعدتر سازد ، تا
از این طریق بتواند تا حدی بر مشکلات
اقتصادی و بتبع آن مشکلات سیاسی
خود فائق آید .

گرچه آقای نبوی در مصاحبه
مطبوعاتی خود ادعا می کند که در آینده
با شدت وحدت مبارزه دولت علیه
امیرالیسم !! ادا می خواهد
یافت ، اما توده های زحمتکش میهن ما
بتجربه دریافته اند که مبارزه
ضد امیرالیستی آقایان از چه قماش
است و بقول خود آقای نبوی بین آنچه
که سران کشورهای سرمایه داری در
سخنرانیهای خود می گویند آنچه
که در عمل و مذاکرات مخفیانه خود
انجام میدهند تفاوت وجود دارد ، یعنی
میان مبارزه ضد امیرالیستی حزب
جمهوری اسلامی در حرف با مبارزه واقعا
ضد امیرالیستی درهای ژرف فاصله
است .

مبارزه ضد امیرالیستی واقعی
که توده ها خواهان آن هستند مبارزه
علیه پایگاه امیرالیسم است ،
مبارزه علیه سرمایه داران وابسته
است ، مبارزه علیه زمینداران بزرگ
مبارزه علیه تمامی ارگانها و نهاد
های وابسته به امیرالیسم و سیستم
سرمایه داری وابسته ، مبارزه در جهت
لغو تمام قراردادهای اسارتی و
تمامی امیرالیستها و ... است .

اما امروزه توده های زحمتکش
یعنی می بینند که نه تنها با تسخیر
جاسوخانه امیرالیسم آمریکا نشانی
از رادیکالیزه شدن حاکمیت در دست
نیست ، نه تنها با ابتکار و مبارزه
ضد امیرالیستی توده ها میدان داده
نشده ، نه تنها اقدامات حادی علیه
سرمایه داران و زمینداران صورت
نگرفت نه تنها قراردادهای اسارتی
رژیم گذشته با امیرالیستها ، افشاء
ولغو نشدند ، بلکه هر روز موقعیت
سرمایه داران مستحکم تر می شود ، رفرم
بوروکراتیک بورژوازی نیز در نیمه
راه متوقف می گردد ، ارتش با زسازی
می شود ، سرکوب و اختناق تشدید می شود
و سرانجام مجلس و دولت با شرایط
خفت باری خواهان بازگشت مناسبات
ما قبل گروگان گیری با امیرالیسم
آمریکا می گردند . امیرالیسم آمریکا
حتی به پیشنهادات مفتضح مجلس نیز
تن در نداد . اما آقای نبوی با وقاحت
هر چه تمام تر می گوید : " این مسائل
برای ما ارزش سیاسی داشت یعنی اگر
امیرالیسم آمریکا تروتهایی که
توسط شاه مزدور و جاسوسان از ایران
در دیده شده است ، سر می دهد ، ارتش
ایران مسئله ای نیست ، بحوث باید

مجلس در این مورد صرفاً یک ارزش سیاسی
داشته است .

آنچه که امروز امیرالیسم آمریکا
در ازای ادعای میلیاردها دلار دولتی
ایران حاضر به پرداخت شده است ،
میلیاردها دلار است که تازه تیمی از
این پول بنام باز پرداخت وامها و
بهره و امها مجدداً به آمریکا باز خواهد
گشت و حتماً بقیه را نیز به خرید سلاحها
و تجهیزات و سایر کالاهای مورد نیاز
شان از آمریکا اختصاص خواهند داد .
این است کارنامه دولتی کسید
ادعای ضد امیرالیستی اش کوش همه را
کر کرده است .

این است آنچه که دولت جمهوری
اسلامی بنام مبارزه ضد امیرالیسی
بخورد توده های مردم میدهد . مسئله
دیگر اینست که آیا با حل مسئله
گروگانهای جاسوس ، بحران روابط
امیرالیسم آمریکا و دولت ایران
بطور کلی حل خواهد شد ؟ پاسخ منفی
است . زیرا بحران حاکم بر جامعه ،
مبارزات توده های زحمتکش ، تضاد
های درونی هیئت حاکمه به تسخیر
جاسوخانه آمریکا انجامید ، که این
امر بحران مناسبات دولت را تشدید
کرد . ممکن است با آزادی گروگانها از
حدت این بحران کاسته شود . اما تا
زمانی که بحران کنونی بر جامعه حاکم
است ، تضادهای درونی هیئت حاکمه
عمل می کند ، و مبارزات توده های
زحمتکش با جدت ادامه داردا بین
اختلافات و درگیریها همچنان ادامه
خواهد یافت آنچه که در این میان بیش
از همه مطرح است ، مبارزات توده های
زحمتکش است که بهیچ دولتی اعم از
حزب جمهوری اسلامی و لیبرالها
اجازه ندهند ، در جهت بهبود مناسبات
با امیرالیسم آمریکا و وابستگی هر
چه بیشتر گام بردارد .

● دوست دارم همیشه پیشگام بمانم

دوست دارم پیشگام باشم . دوست
دارم در این راه محکم و استوار گام
بردارم . میدانم همیشه پیشگام
باقی خواهم ماند ، چون همیشه به
خلق متکی خواهم بود . دوست دارم
قلیم آکنده از مهر به خلق و کینه به
دشمنانش باشد . دوست دارم در هر
لحظه پیشگام باشم . چشمانم درد
خلق را ببیند . گوشها بیدرد در خلق
شنود . درد خلقهای ستمدیده ایران
را با پوست و گوشتم لمس کنم و به حکم
ضرورت دوشادوش و پیشاپیش خلق ،
مسلم را برای نابودیش به کار گیرم
دوست دارم رهنمودهای سازمان
چریکهای فدائی خلق ایران را با
خلاقیت بکار بندم تا شایسته نام
"پیشگام" باشم . دوست دارم همیشه
پیشگام بمانم . سازش ناپذیر و
نفرتی عمیق از خیانت و خیانتکاران
رهرو راستین راه پرولتاریا باشم .
تا پرولتاریای ایران و جهان عهد
بستم همیشه پیشگام بمانم و پیشگام
خواهم ماند .

ارمانه ، یک رفیق دانش آموز



جنگ و اعتلای نوین مبارزات کارگران

در کارنامه ۹۱ تا شیرجنگ مبارزات کارگران تا نیمه اول آبان ماه را بررسی کردیم. در این مقاله ضمن بررسی پرونده ماه مبارزات کارگران به تجزیه و تحلیل مختصر آن می پردازیم.

در اولین روزهای جنگ، توده وسیع کارگران را احساسات شونیستی فرا گرفت.

در میان لایه های عقب مانده و نا آگاه کارگران شورمیهن پرستی افراطی همراه با تعصبات مذهبی شدت این احساسات آنچنان بالا بود که تمامی فضای کارخانه را متاثر ساخته بود. کارگران با سرمستی و حتی با غرور تبلیغات میهن پرستی دروغی -

سرمایه داران را تکرار می کردند. موج وحدت طلبی در میان کارگران آنچنان گسترش یافته بود که پرده ستری بر روی مبارزه طبقاتی کشیده بود و به تبع آن مبارزات کارگران فروکش کرد.

سرمایه داران و دولت حامی آنها به بهانه جنگ قدم بقدم شرایط اختناق و سرکوب و وحشتناک کارگران را فراهم می کردند. آنها کوچکترین حرکت کمترین اعتراض کارگران را تحت عنوان "خدمت به ضد انقلاب"، "ستون پنجم" یا "خشونت سرکوب می کردند".

دولت و سرمایه داران کوشش برای محدود کردن حقوق صنفی طبقه کارگر را فزونی بخشیدند. شلاق سلسله مراتب مدیریت، بخشنامه های وزارت معاش و امور رفاه، نظایطی، برگزیده کارگران فرومی آمد دولت از کارگران میخواست که این وضع را بپذیرند.

شرایط ویژه جنگ تحمل کنند اما هر چه بیشتر دامن فلابت ناشی از جنگ آشکارتر می شد. با رگرانی و کمبود مواد اولیه زندگی، بردوش کارگران سنگینی میکرد، فقر توده وسیع کارگران فزونی می گرفت. جنگ موج بیکاری و اخراج و تعطیل کارخانه ها را شدت بخشید.

کارگران شاغل نیز اعتماد خود را به آنچه برای آینده نزدیک برایشان مقدور تا مین است از دست می دهند. سرمایه داران از قوانین زمان جنگ بهره برده تا دهان کارگران را ببندند و صدای آنها را در گلو خفه کنند اما جنگ

آموزشهای بسیاری را برای طبقه کارگر به ارمغان می آورد. آنها را در می یابند که سرمایه داران جنگ را در جهت منافع خود رهبری می کنند، از یکسورا رتن سرکوبگر به بهانه جنگ تطهیر میشود هزینه تسلیحات به جیب سرمایه داران و امپریالیستها سرازیر میگردد. با رنای از بحران را دولت

می خواهد بخرج توده های وسیع کارگران و زحمتکشان تخفیف دهد. اما از سوی دیگر شورا های واقعی آنها تحت فشار قرار میگیرند. مدیران لیبرال و انجمن اسلامی هر کدام به شیوه ای -

مخصوص خویش دست اندر کار توطئه و سرکوب نمایندگان واقعی کارگران هستند هرگونه اعتراض و مبارزه کارگران بر علیه اجحافات سرمایه داران سرکوب میشود با کوچکترین وا همه کارگران اخراج میگردند کارگران اینک در

تجربه روزمره خود ماهیت، فریب و سرکوب سرمایه داران و دولت جمهوری اسلامی را در دفاع از منهن! دریافتند آنها در می یابند در حالیکه وضع اقتصادی روز بروز وخیم تر میشود با ریلای اقتصاد دیو

بحران بردوش کارگران می افتد دولت بر حسب منافع طبقاتی نمیخواهد با رنج را بردوش ثروتمندان قرار دهد. آری کارگران پی میبرند که منافع طبقاتی آنها مخالف این جنگ است. مبارزات کارگران علیه

اوضاع فلاکت بار کنونی شکل گرفته است. اعتراضات و مبارزات فزونی کارگران به مبارزات دسته جمعی تحت اشکال گوناگون تحصن و اعتصاب تکامل می یابد هر چه اعتراضات گسترده تر میشود و کارگران برای بهبود

شرایط زندگی خود دست به عمل انقلابی میزنند جنگ فراموش میشود. و از میزان شورمیهن پرستی افراطی کاسته میگردد. دیگر تبلیغات دولت جمهوری اسلامی رنگی ندارد مبارزات کارگران در آبان، آذر پراکنده و غیر متشکل است اما آنچه که قابل توجه است این است که کارگران

مبارزه اقتصادی و سیاسی را تمام به پیش می برند آنها از یکسوی برای بهبود اوضاع رفاهی و معیشتی شان مبارزه می کنند و از سوی دیگر صدای اعتراض خود را علیه جنگ به این یا آن شکل بلند کرده اند.

کارگران کارخانه های عظیم ایران ناسیونال و بنز خاور به کم کردن حقوق حقه شان برای جنگ به اعتراض برخاستند رویا روشی ناگزیر کارگران و کارفرمایان شدت بیشتری یافته است.

کارگران کفشی ملی اعتراض خود علیه مدیران را کستش دادند آنها بر علیه افزایش حقوق مدیران دست از کار کشیدند و مدیران را مجبور به عقب نشینی کردند کارگران کفش ملی برای جلوگیری از تقلبات غارتگران سرمایه داران در شرایط بحران و بیکاری دست به تشکیل کمیسیون تحقیق زده اند کارگران جیت تهران هم برای افشای اسرار مالیاتی

وسوء استفاده های مدیران دست به تشکیل هیئت پژوهش زده اند. اتحاد قدرتمند کارگران مسلسل سازی طرح توطئه مدیران را داد. سرپرست لشری یا کشوری کردن کارگران که در واقع به کم شدن یک سوم حقوقشان منجر میگشت را درهم شکست اعتصاب ۳۰۰۰ کارگران مسلسل سازی با ر دیگر نشان داد که اتحاد کارگران میتواند سرمایه داران را به زانو در آورد.

مبارزات کارگران جهت احب جلات ضروری، مبارزه علیه افزایش ساعت کار و مبارزه علیه قطع مزایای ناچیز که جزئی از دستمزد کارگران است شدت از ج گرفته است سود ویژه که جزئی از دستمزد ناچیز کارگران بود چند ماه پیش به تصویب شورای انقلاب به دو ماه پاداش تقلیل یافت مبارزه کارگران برای گرفتن سود ویژه در زندان کارگران را خنده ها شکل گرفته است. مبارزه کارگران کانادا برای

بازدیگر ما هست وعده و وعیدهای دورغین دولت جمهوری اسلامی را آشکار ساخت کارگران این کارخانه در حالیکه برای گرفتن سود ویژه دست به تحصن زده بودند با یورش پاسداران مواجه شدند درگیری بیسپاسداران و کارگران با اگر فست پاسداران به سوی کارگران تیراندازی می کنند. در جریان این زد و خورد یک کارگر کشته و چند نفر زخمی می شوند

کارگران شرکت باکسان در چند روز گذشته برای گرفتن سود ویژه دست به مبارزه زده اند

کارگران، دیگر ما هیئت زده های پوچ مدیران لیبرال کارخانه را دریا فته اند آنها جلوی کامیون خروج محصولات را می گیرند کارگران مضممانندتا گرفتن سود ویژه از مبارزه بازنا یستند.

کارگران دخانیات نیز برای گرفتن پاداش که در واقع جزئی از حقوقشان است در دو ماه گذشته در انبار خروج محصول را بسته اند و اجازه خارج کردن محصولات را نمیدادند.

مبارزات کارگران مناطق جنگ زده برای گرفتن حقوق عقب افتاده اوج گسترده ای یافته است. از جمله کارگران بندر خرمشهر در تهران دست به راهپیمایی زدند ولی دولت جمهوری اسلامی هنوز به خواستهای کارگران پاسخ نداده است مبارزه کارگران نشت جنوب جهت گرفتن حقوق و سایر مسائل رفاهی به تحصن کشید آنها در

بقیه در صفحه ۶

بساط "اضافه کاری اجباری" در کارخانه ها برچیده شود!

وزارت کار

مسئول وضع اسفبار کارگران کارگاهی است

تعداد چشمگیری از کارگران ایران در کارگاهها مشغول به کار میباشند. این کارگران که غالباً پیش از طلوع آفتاب تا غروب آن برای بدست آوردن پول ناچیزی مجبورند زحمت بکشند، در شرایط طاقت فرسایی بسر میبرند. وضع بد شرایط محیط کار، از جمله نبود نور کافی، آلودگی هوا، نبود وسائل ایمنی از یک طرف، و از طرف دیگر روزی ۱۴ ساعت کار، فشار بیش از حدی به این کارگران وارد می‌م‌آورد. اکثر آنان خیلی مسن تر از آنچه که واقعا هستند نشان می‌دهند. آنها بیشتر اوقات از خانه و زندگی خود دور هستند. تازه زمانی هم که نزدن و فرزند خود می‌باشند فشار گرانی، کمبود اجناس، پول سنگین کرایه خانه، خرج مدارس فرزندان و غیره... کمربند تراغرد می‌کند. زندگی برای این کارگران واقعا بمعنی مرگ تدریجی است. آنها در محیط کار خود مجبورند هنوز روی ابتدائی ترین خواسته‌های کارگری مبارزات زیادی را پشت سر بگذارند. شاید تعداد کارگاهها نیکه روزگار ۸ ساعت داشته باشند از انگشتان دست فراتر نرود. حداقل دستمزد کارگران در کارگاهها اکثر نصف دستمزدی است که حتی وزارت کار (بخوان وزارت اشتغال کار) رژیم جمهوری؟ اعلام کرده است. استفاده از نیروی کار کودکان و زنان برای سود بیشتر بحد و قور وجود دارد. وضع کارگران کارگاهی هیچ بهبودی نسبت به رژیم گذشته پیدا نکرده است. وزارت کار این رژیم هم نه تنها گامی در جهت خواسته‌های برحق این کارگران برنداشته بلکه همواره در خلاف آن نیز کوشیده است. معدود سندیکا‌های واقعی این کارگران که پس از قیام شکل گرفته بود، تاکنون چندین بار مورد یورش قرار گرفته است. تمام کوشش وزارت کار این بوده که محتوای انقلابی این سندیکاها را از بین برده و آنها را به ارگانی فرمایشی تبدیل نماید. اما اگر کارگران متحد باشند از این ارگانهای حامی سرمایه داری هیچ کاری ساخته نیست. آنها در مقابل اتحاد کارگران عاجز شده و بزبانومی‌افتند. و بالاخره اکنون که بدلیل شرایط جنگی بیش از گذشته کارگران تحت فشار قرار دارند، اکنون که وضع زندگی این کارگران روز بروز بدتر می‌شود، با تشکیل خود در سندیکاها با پیدا تعادلی آهنگین از کارگران کارگاهی جدا نمود. کارگران مبارز سندیکاها وزارت کار را وادار - نمایند تا خواسته‌های شما را بجا بگذارد. اعلامیه سندیکای کارگران کفاش تهران و نامه کارگران زن کارگاههای تولیدی پوشاک تبریز.

خود نمونه‌هایی است که بی‌اوضاع کارگران کارگاهی می‌باشد. نامه کارگران کارگاهی پوشاک تبریز که در واقع طالب به وزارت کار می‌باشد برای نشریه کارفرستاده شده تا با درج آن در نشریه، مردم مبارز ایران از وضع این زنان زحمتکش مطلع شوند. اما زنان زحمتکش کارگاهی پوشاک تبریز باید بدانند که تنها با تشکیل خود در سندیکای مربوطه و اعمال فشار به وزارت کار از آن طریق است که موفق به کسب حقوق حقه خود خواهند شد.

نامه عده‌ای از کارگران زن شرکت‌های تولیدی

پوشاک زنانه تبریز

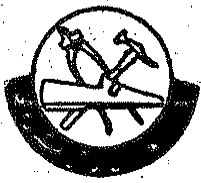
نشریه محترم کار

از نشریه کار که زبان گویای ستمکشان این جامعه می‌باشد می‌خواهیم که با درج این مطلب سایر کارگران استثماری شونده و مردم مبارز ایران را از وضع کارگران زن شرکت‌های تولیدی

پوشاک زنانه تبریز آگاه گردانند.
"اداره محترم کار و امور اجتماعی
آذربایجان شرقی"

احتراماً ما عده‌ای از کارگران زن که در شرکت‌های تولیدی پوشاک زنانه کار می‌کنیم صاحبان شرکت‌های مذکور بدون در نظر گرفتن انسانیت و قانون کار که در قبال هر ساعت کار برای هر کارگر مبلغ ۶۸ ریال در نظر گرفته شده است به ما روزانه در مقابل ساعت کار روزانه مبلغ ۲۰۰ الی ۳۰۰ ریال حقوق می‌دهند که حتی پول کرایه ماشین و نان و پنیر ناها را مان راهم تا مین نمیکنند. لذا از اداره محترم کار و امور اجتماعی تقاضا می‌نمائیم تا با زبانی به این شرکت‌ها اعزام و از وضع اسفبار کارگران این شرکت‌های تولیدی مطلع شوند که ما کارگران چگونه مورد بهره‌کشی این نامردمان قرار می‌گیریم. در ضمن خواهشمندیم که چگونه امیر را از کارگران سؤال نمایند

بنام خدا



دوستان کارگر: بیه های اجتماعی یکی از مسائل با اهمیت در صنایع میباید و اکثر کارگاههای کفاش خصوصاً در منطقه بازرگانان از بیه های اجتماعی برخوردار هستند و بلحاظ آمیختگی که مسئله بیه برای کارگران دارد سندیکا از مدتی پیش با آماریکه از سنن بیه بوده قوی که بکارگران در این زمینه داد تصمیم گرفت اقدامات مؤثر و فوری در این زمینه انجام دهد و چنانچه آمار بیه شده نشان میدهد از هر یکصد کارگر که کفاش بیش از ۶ کارگاه از بیه های اجتماعی برخوردار میباشند و آن تعداد از کارگاههاییکه زیر پوشش بیه قرار دارد و تا آنجا که مسئولین سندیکا مطلعند مدتی است کارفرمایان لیست بیه کارگران را برداشته میکنند از این نظر هیئت مدیره سندیکا وظیفه خود دانست در زمینه بیه های اجتماعی اقدامات قاطع و سری انجام دهد

یکی از عللهاییکه باعث گشته بیه های اجتماعی در صنف بطور کامل پیاده نشود عدم پیگیری کارگران میباشد که لازم حد مزایای را که کارگران با داشتن دفترچه بیه های اجتماعی میتوانند از آن بهره مند گردند برای اطلاع بیشتر کارگران ذکر نمائیم

۱ - استفاده از امکانات درمانی (برای خود و خانواده)

۲ - حق از کار افتادگی و پرداخت ۷۵ درصد حقوق ذکر شده در لیست بیه همینطور در هنگام بیماری

۳ - گرفتن وام مسکن

۴ - دریافت حق اولاد ۱۹۰۵ ریال برای یک فرزند دو فرزند ۳۸۱۰ ریال بیش از دو فرزند نیز تعلق نمیگیرد.

برای استفاده از امتیازات و امکانات فوق از طریق بیه های اجتماعی از کلیه کارگران کفاش دعوت مینمائیم روزهای شنبه ساعت ۳ / ۴ دقیقه بعد از ظهر جلساتی که بدین منظور تشکیل میگردد در شرکت نماینده دوستان کارگر سندیکا خانه شما است و با حضور شما در سندیکا است که میتوانیم بر علیه سرمایه داران و زورگویی های آنان متحداً اقدام نمائیم با شرکت فعال خود در سندیکا بکوشیم تا بتوانیم بر علیه اخراج، بیکاری، ... یکنواخت عمل نمائیم.

با شکل خود در سندیکا پایه های سندیکارا مستحکمتر گردانیم

هر چه مستحکم تر باد پیوند کارگران و زحمتکشان بر علیه امپریالیزم و سرمایه داران داخلی

آدرس: خیابان لاله زار چهار راه کنت پانزدهم صدفی طبقه دوم

سندیکای کارگران کفاش تهران و حومه



شورایاسندیکا

کدامیک راهگشای مبارزات کارگران 'بایر' می باشد؟

در این کارخانه نیز همچون اکثر جاهای دیگر پس از قیام شکوهمند خلق کارگران شورای خود را ایجاد نمودند اما از آنجا که این شورا نتوانست حرکتی در جهت منافع کارگران انجام دهد، چند ماه پیشتر بدینا ل نیارده کارگران که در پی برپا شدن تشکلی برای تحقق خواستهای خویش می گشتند، به سندیکا روی آورده اند از آنرو که در این بین از قیام هم در این کارخانه سندیکا وجود نداشت کارگران بدون بررسی علل عدم حرکت فعال شورا به نفی آن پرداخته و سندیکا را جای گزینش کردند. البته نباید تبلیغات عوامل ضدشورا و رویزیونیستهای مبلغ سندیکا را در این رابطه فراموش کرده اکنون که سندیکای بایر تنها ارگان تشکلی توده کارگران آن کارخانه میباشد، ضعف خود را در پاسخگوئی به خواستهای کارگران آشکارا بنمایش گذاشته است. ضعفی که اساساً بعلت فعالیت در چارچوب صرفاً قانونی آنها میباشد بدین ترتیب مسائل کارگران بایر در چند ماه اخیر هیچیک بطور قطعی پاسخ داده نشده است. مبارزات کارگران به طرق گوناگون ادامه دارد نمایندگان سازشکار سندیکا سدره مبارزات کارگران شده اند.

اکنون وظیفه کارگران پیشرو و کارخانه است که در جهت راهگشائی وحل این مشکلات با تمام قوا بکوشند اما پیش از آنکه به چگونگی حرکت در این زمینه پردازیم لازم است به چند مسئله موجود در کارخانه و حرکت سندیکا در آن رابطه نظری بیافکنیم:

۱- در مورد سودویژه:
پس از لغو قانون سودویژه توسط شورای انقلاب، کارگران کارخانه بایر نیز همچون اکثریت کارگران ایران ناراضی خود را بطرق گوناگون ابراز داشتند. این اعتراضات بنا آنکه در آغاز جنگ قدری آفت کرده بود اما در یکی دو ماه اخیر مجدداً شدت گرفته مدیر کارخانه (دکتر بهروان) که قانون مصوبه شورای انقلاب را بهترین پناهگاه خود یافته است. سرسختانه مدافع قانونی عمل کردن شده است. او میگوید:
" ما به هیچوجه بیشتر از دو ماه قانونی به کسی نمی دهیم. من نمیخواهم در مملکت نظم را بهم بزنیم. بیائیم امروز اینکار را

بکنیم. فردا مملکت شلوغ شود این کارخانه اعتراض کند، آن کارخانه اعتراض کند. راستش را بخواهید من حوصله رفتن به دادگاه آقای خلخالی را ندارم."

مدیر کارخانه که در حقیقت بنا کنتن این سخنان می خواهد از پرداخت سودویژه طفره رود و خود را از زیر ضربات آج باینده مبارزات کارگران بجات دهد، ناخواسته به افشای حاکمیت می پردازد. او می گوید "نمیخواهم نظم را بهم بزنیم" نظمی که توسط شورای انقلاب به تصویب رسیده است. نظمی که کارگران را به اعتراض و مدیران و کارخانه داران را به حمایت کشانده است. مدیر کارخانه بخوبی میداند سنگرش قدرت حاکمه موجود است. موباتوسل به حیل و های چون "دادگاه خلخالی" می کوشد بهر نحوی شده سود بیشتری از کارگران بدست آورده سندیکای کارخانه که با اصطلاح سنگر کارگران نیز هست جز ترقره کردن حرفهای مدیریت چیز دیگری نمی گوید، آنها تکرار می کنند " ما تلاش خود را کردیم ولی قادر شدیم بر خلاف چیزیکه قانون می گوید عمل کنیم." اعم از اینکه در بین این نمایندگان افرادی با حداقل صداقت وجود داشته یا نداشته باشند، آنها می خواهند مبارزات کارگران را در چارچوب قانونی محدود نمایند. در شرایطی که در وضعیت بحرانی کنونی، ارگان تشکلی کارگران در یک کارخانه باید ارگان اعمال اراده مستقیم آنها باشد. بحران موجود در کارخانه بحرانی قانونی نیست. اکنون دفاع از منافع کارگران باید عملی بحق، منطقی و انقلابی باشد. عملی در چارچوب قانون. نمایندگان موجود در این سندیکا بحرفهای کارگران خوب گوش می دهند. اما اجرای آنرا در واقع از مدیریت انتظار دارند. آنها ناقلین خواستهای کارگران به مدیریت نیست و مدافع تصمیمات مدیریت در مقابل کارگران می باشند.

۲- در مورد مهدکودک: در این کارخانه همچون اکثر کارخانه های شیکه زنان تعداد زیادی از کارگران را تشکیل می دهند، مهدکودک نیز یکی از خواستهای مبرم می باشد. بدینال درگیریهای طولانی که بین کارگران از یکطرف و مدیران و سندیکای کارخانه از طرف دیگر

وجود داشته است. کارگران پیشرو بایر با پخش تراکتی در این رابطه می گویند:
" در جریان جلسه سندیکا و مسئله ایجاد مهدکودک شاهد بودیم که اعضای سندیکا چگونه در مقابل خواستهای برحق ما کارگران می ایستند. و بجای اینکه از منافع ما دفاع کنند، برای سرمایه داران و دولت حامی آنان دل می سوزانند. آنها از اینکه قسمت ناچیزی از سود کلان کارخانه (حاصل دسترنج ما) بجای روان شدن در جیب سرمایه داران، برای کارگران خرج شود، برآشفته شده و مانع ایجاد مهدکودک برای کارخانه می شوند."

پس از این افشاء گری برعلیه نمایندگان سندیکا، در هفته اول آذر ماه در سالن غذاخوری، یکی از نمایندگان سندیکا همچون ما رزخم خورده پس از اشاره نفرت باری به تراکت کارگران پیشرو می گوید:
" قضیه مهدکودک تمام شد. قرار شده با مهدکودکی در بیرون کارخانه برای مدت ۶ ماه قرارداد ببندیم. و در این ۶ ماه ماسعی خواهیم کرد مهدکودکی در کارخانه درست کنیم. هزار تومان این مبلغ توسط کارخانه و ۲۵۰ تومان توسط خود کارگران باید پرداخت شود."

بدین ترتیب کارگران موفق می شوند پس از مدت ها این خواسته برحق خود را به مدیریت تحمیل کنند. اما دو هفته بعد نمایندگان سندیکا در جلسه ای می گویند:

" موضوع مهدکودک را ما کاملاً به مدیریت سپردیم. می خواهد قرارداد ببندد و یا اینجا مهدکودک درست کند و یا هر کار دیگری که می خواهد انجام دهد." آنها بدین طریق مجدداً خود را در موضع بیطرفی قرارداد داده و باین ترتیب دست مدیریت را باز گذاشتند تا هرکاری می خواهد انجام دهد.

۳- و بالاخره سومین مورد نوعی تفتیش عقاید و ایجاد جو اختناق درون کارخانه است که توسط سندیکا صورت می گیرد. روزشنبه ۲۲ آذر ماه اعلامیه ای به دیوار دستشویی چسبانده می شود. قضیه به گوش نمایندگان سندیکا می رسد. یکی از نمایندگان ناآگاه سندیکا بلافاصله وارد میدان می شود.

بقیه در صفحه ۶

دوروز تعطیل، ۴۰ ساعت کار در هفته، حق مسلم کارگران است!

● شعری از یک رفیق کارگر

بنویسید
این شکم گرسنه ما را
این زیر زمین نمور
این کودک با برهنه ما را

بنویسید
مادر کوره های آجر پزی
مادر کارخانه شیشه سازی
ریه های یمان را از دست داده ایم

بنویسید
ما خانه نداریم
ما آب نداریم
ما برق نداریم
و پنجره کوچک ما شیشه ندارد.

بنویسید
از یک اتاق دومتری بنویسید
و هشت شکم گرسنه

بنویسید
همه قلب خشمگین ما را
بنویسید
به ما خیانت کردند

بنویسید
همه کشته شدگان
از ما بود
ما گرسنه ها
به تنگ آمده ها
جان به لبر رسیده ها

و بنویسید
ما هنوز هم گرسنه ایم
و هنوز
نه آب داریم
نه خانه
و نه برق

بنویسید
غذای شب عید ما
مشتی سیب زمینی سوخ کرده است
و از روزی بنویسید
که چون سیلی بی ما
از همه دخمه ها یمان
بیرون خواهیم آمد

بنویسید
بنویسید

سندیکا یا شورا

بقیه از صفحه ۵
و چند نفر از کارگران زن را مشکوک
اعلام می کنند و عنوان می نمایند که باید
کمیته های نشان را بگیریم. کارگران
مذکور اعتراض می کنند و با نماینده
سندیکا درگیر می شوند. در پی این
درگیری سندیکا اعلام می کند "اصلاً
کمیته ما را می گردیم". با زرسی کمیته ها
آغاز می شود. اما بر اثر اعتراض شدید
کارگران، این عمل در نیمه راه
متوقف می ماند. نماینده مذکور که
می بیند قادر به ادامه با زرسی کمیته ها
نیست و مدیریت کارخانه هم نتوانست
ضامن انجام این کارها باشد. از
شدت عصبانیت خودش و زمین و زمان را
به فحش می کشد.

اکنون که با برخی مسائل موجود در
این کارخانه آشنا شدیم و عملکرد
سندیکا را در آن زمینه ها نشان دادیم
به وظیفه کارگران آگاه و مبارزان این
کارخانه و تمام کارخانه های دیگر نظیر
آن می پردازیم.

مهمترین مسئله پیشروان در این
کارخانه، کوشش در جهت ایجاد ارگان
انقلابی برای تشکیل کارگران می باشد.
همین جا دو سؤال مطرح می شود: اول
اینکه آیا سندیکای موجود را باید
منحل کرده و به ایجاد شورا پرداخت
و یا اینکه تنها با اتکاء به سندیکا و
را دیکار کردن آن از ایجاد شورا
صرف نظر نمود؟ پاسخ ما به هر دو سؤال
منفی است. اولاً که ایجاد شورا در یک
کارخانه هیچ منافاتی با وجود
سندیکا در آن واحد ندارد، ثانیا که
این سندیکا را هر قدر هم را دیکار
کنیم باز هم قادر به پاسخگویی مسائل
موجود در کارخانه نمی باشیم. زیرا
سندیکا - نه "سندیکای سرخ" - ارگان
تشکیل کارگران برای فروش بهتر
نیروی کار است. ارگانی است برای
دفاع از نیروی کار در برابر سرمایه
رگانی که کارگران را به مثابه
مزدبگیران متشکل می کند. اما در
شرایطی که بحران جامعه ای، میل
به درهم ریزی مناسبات تولیدی
نمایند، کارگران نه به مثابه
مزدبگیران، بلکه همچون تولید

کنندگان باید متشکل شوند.

در چنین شرایطی سندیکا به تنهایی قادر
نیست، کارگران را متحد و متشکل در
مبارزه هدایت نماید. در چنین وضعی
مبارزات کارگران نه در زمینه شکل
برای فروش بهتر نیروی کار، بلکه
الزاماً از کانال دخالت در تولید و
تشکیل برای ارائه نظم جدید تولیدی
می گذرد. و این مسئله امکان پذیر
ندست مگر با تشکیل کارگران در محل
تولید، در کارخانه ها و غیره، یعنی
ایجاد شوراها.
در شرایط کنونی کارگران با مشکل خود
درون کارخانه ها، در محل تولید و
همزمان با تولید نیاز دارند. ارگانی
که بر تمام امور جاری داخل کارخانه
از قبیل تولید، حسابرسی و غیره...
نظارت داشته باشد. ارگانی که به
مقابله با خودسریهای مدیریت
پرداخته و بدافع انقلابی از منافع
کارگران برخیزد. این ارگان فقط
شورا می باشد.

بفرض اینکه سندیکای کارخانه
با یریک سندیکای انقلابی هم می بود
باید در این شرایط به تشکیل شورای
کارخانه اقدام می نمود. تا هر دو
با هم به شکل و مبارزه کارگران برای
احقاق حقوقشان می پرداختند. اما
سندیکای کارخانه با یریک سندیکای
انقلابی نیست. رسالت ایجاد
شورای کارخانه نمی تواند در شرایط
کنونی بعهده این سندیکا باشد.
کارگران با عمل مستقیم خود باید
به ایجاد چنین ارگانی بپردازند.
علاوه بر این کارگران اینگونه
کارخانه ها وظیفه دومی نیز دارند:
و آن اینکه باید با اقدام انقلابی خود
نمایندگان سازشکار سندیکا را بیرون
کشیده و نمایندگان واقعی جایگزینشان
کنند.

اما اینکه در نهایت کدام یک از این
دو ارگان، شورا یا سندیکا باید
اولویت بیشتری را برای هدایت
مبارزات کارگران داشته باشد، به
اعتقاد ما سندیکای این کارخانه باید
رهبری شورا را بپذیرد. ضمن آنکه باید
توجه داشت از این مسائل نمی توان
دکمه باخته ممکن است در شرایطی عناصر غیر
انقلابی در شورای کارخانه نفوذ

جنگ و مبارزات...

بقیه از صفحه ۳
دهکده المپیک ساکن شدند با ساران -
برق و سوخت خانه های مسکونی آنها را
قطع کرده اند شورای سراسری کارکنان
مناطق جنگ زده با صدور قطعنامه
به دولت اولتیماتوم دادند که اگر به
خواستهایشان رسیدگی نشود دست به
اقدامات دیگری می زنند.

کارگران طرح توسعه تلفن
برای گرفتن حقوق عقب افتاده -
همراه با تشکیل شورای واقعی همچنان
ادامه دارد اوج گیری و گسترش جنبش
کارگری با مبارزه کارگران علییه
نمایندگان سازشکار شوراها شکل جدی -
تری بخود گرفته است به همراه آن شوراها
در جهت را دیکار لیزه شدن به پیش
می روند.

مبارزات کارگران ارج، ابرالکو، پرسپولیس
و قزوین تنها نمونه -
هایی هستند که نشان می دهد کارگران
در جهت تشکیل و ایجاد شوراها واقعی
خود به پیش می روند در این مرحله
نطفه های آگاهی از مبارزات کارگران
وقوی تر و با رورتر شده است نمودند
سرما به داری در مبارزات کارگران
و را دیکار شدن شورا موبد این نظر
است کارگران در تجربه عملی به تدریج
وروز بروز آگاهتر میشوند این واقعیت
در سه ماه اخیر بوضوح آشکار گشته است
به این ترتیب مبارزات مستقیم و
آشکار بخش وسیعی از توده های کارگر
نشانگر اعتلای نوین مبارزات طبقه
کارگران ایران است.

نمایند. آنوقت وظیفه نمایندگان
واقعی متشکل در سندیکا است که
رهبری مبارزات کارگران را بعهده
گرفته و پیش از هر چیز با ایجاد شرایط
برای انتخابات مجدد، نمایندگان
واقعی کارگران را به شورا بفرستند.
اما در تمام این گش و قوس ها یک چیز را
نباید فراموش کرد:
ایجاد شورا در کارخانه ها ضرورت
حیاتی جنبش کارگری در این مقطع
می باشد.

● مبارزات پیروزمندانه روستائیان شوک و کار - شکنی های ارگانهای جمهوری اسلامی

روستای شوک از توابع رودسر بوده و یکی از روستاهای نسبتاً بزرگ این شهر می باشد، فاصله این روستا تا جاده جیرکول حدوداً ۲۰ کیلومتر است و بعلاوه زمینهای مرغوب این روستا، محل تجمع اکثر اربابان و خانه های منطقه نیز بوده است.

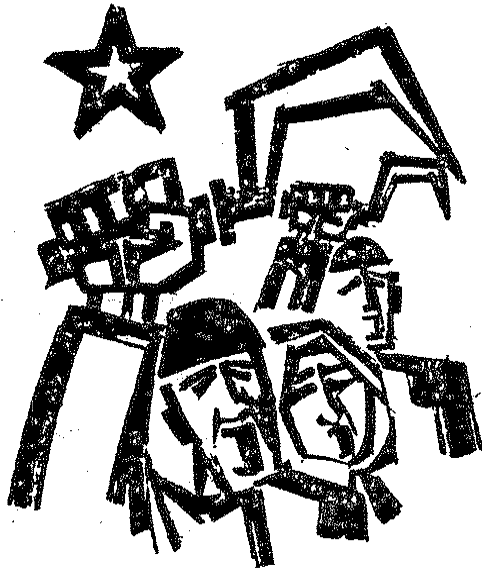
جمعیت این روستا نزدیک ۳۵۰ نفر (۶۶ خانوار) است، و جزئیات مدرسه روستا از هیچگونه امکانات رفاهی دیگری برخوردار نیست.

تولیدات عمده این روستا از طریق باغداری و کشت کاری بدست آمده و فندق و گردو، گندم و جو، ... می باشد. تولیدات عمده خود روستائیان از طریق کشت کاری بدست آمده و عده زیادی از داشتن باغ فندق بی بهره اند. زمین های کشاورزی عمدتاً در دست خرده مالکین بوده و با ابزار سنتی کشت می گردد. درصد کوچکی از جمعیت روستا را کارگران شهری تشکیل می دهند.

چند باغ بزرگ این روستا متعلق به چند باغدار بزرگ است و به ترتیب مساحت آنها برابر ۱۰، ۲۰، ۳۰ هکتار دارد این باغداران برای برهائی جلوگیری از هجوم روستائیان به باغبان اجازه داده اند.

در این روستا، بعد از قیام مبارزات زیادی بوقوع پیوسته است. ولیکن، مبارزه روستائیان ریشه در سالهای قبل (۴۸) دارد. در آن سالها مبارزه روستائیان به سبب سرکوب شدید بی اثر ماند. بعد از قیام بی همراهی عناصر آگاه، مردم تصمیم به برداشت محصول باغهای اربابها گرفته همچنین ادعای مالکیت پدری باغ آنان را می نمایند. بدین منظور روستائیان نمایندگان از بین خود انتخاب نموده و نزد حاکم شرع رودسر می فرستند. حاکم شرع رودسر نیز با دیدن شکل و روحیه مبارز دهقانان عقب نشینی کرده و مجبور به دادن حکم می شود که بدینوسیله روستائیان بتوانند فقط در آن سال فندق های باغها را برداشت نموده و چگونه حل مسئله را در سال بعد به دولت واگذارند. با رسیدن تابستان سال ۵۸ دهقانان فندق ها را چیده و بین خود تقسیم می نمایند و بر باغیانها نیز می گویند " شما نیز فندق ها را بچینید و به ارباب نیز اجازه نپردازید."

تابستان سال ۵۹، هنگام برداشت محصول باغها را فرا می رسد. دهقانان



گزارشهای روستائی

با ردیگر نزد حاکم شرع رجوع کرده و وی بنا به ما هیتش به دهقانان می گویند شما دیگر حق ندارید فندقهای مردم را چیده یا غها را تصرف کنید. دهقانان به حرف های او توجه ننموده و می گویند: " ما دوباره فندقهای باغها را خواهیم چید". در پی این امر دادگاه انقلاب، چند نفر از نمایندگان را دستگیر کرده و به زندان می اندازد و روستائیان حاکم شرع را تهدید می کنند که در صورت حبس نمایندگان خود آنها جلوی دادگاه تحصن خواهند نمود، وی نیز در اثر فشار روستائیان مجبور به آزاد کردن نماینده آنان می شود.

بعد از این کار شکنی ارگانها دهقانان از پای ننشسته، دوباره فندق باغهای اربابان را می چینند و به باغیانها می گویند که شما نیز هیچگونه اجازه ای به اربابها نپردازید؛ مبارزه در این روستا چنان اوج می گیرد که باغیان مجبور می شوند در خفا به اربابها اجازه بپردازند و نفرت روستائیان شوک چنان بالا می گیرد که خانه ارباب را به آتش می کشند. انعکاس این حادثه در روستاهای دیگر باعث شد که روستائیان کره گویا بر نیز به این کار مبادرت کنند. اربابها نیز بدنبال این وقایع به شکایاتی علیه دهقانان دست زده اند که هیچ کاری از پیش نبرده اند.

● زحمتکشان روستای "خضرو" شورای مورد نظر خود را انتخاب کردند

روستائیان با مقاومت و اتحاد، نمایندگان تحمیلی را نپذیرفته و نمایندگان واقعی خود را برگزیدند. روز پنجشنبه بتاریخ ۱۳۵۹/۹/۲۷ عده ای از طرف ستاد بزرگزارای انتخابات

استان آذربایجان روستای خضرو از توابع عجب شیر آمدند تا انتخابات شورای اسلامی ده را انجام دهند، و از روستائیان خواسته شد که در حدود ساعت ۴ بعد از ظهر در مسجد جمع شوند؛ هنگامی که روستائیان در موعد مقرر در مسجد جمع شدند، "شوراسازان" که با چند پاسدار مسلح آمده بودند در مسجد را از پشت بسته و اسامی تمام روستائیان حاضر در مسجد را نوشتند. قبلاً از انتخاب نمایندگان "شوراسازان" اعلام کردند که سائیکه انتخاب میشوند نباید در رژیم گذشته فعالیت کرده باشند. اما وقتی ۱۰ نفر کاندیدا بوسیله خودشان معرفی شده معلوم گردید که همه از بان نشینان مسجد بوده و اغلبشان نیز در رژیم گذشته با ساواکی و خبرچین بودن دویا رستا خیزی.

روستائیان اعتراض کردند و رئیس پاسداران دست به تهدید و ارباب و توهین زد. او گفت هر کسی از مسجد بیرون برود "فدا انقلاب" است و دستگیر میشود اما سرانجام در مقابل مقاومت و اتحاد و یکپارچگی روستائیان مجبور به عقب نشینی شد و روستائیان ده نفر از اشخاص مورد اعتماد خود را بعنوان کاندیدا معرفی کردند. انتخابات انجام گرفت و در نتیجه شورای مورد اعتماد روستائیان از بین زحمتکشان روستا انتخاب شد.

● خوش نشینان روستاهای سرماله و سیدان (شوشتر): نمی گذاریم یک متر زمین هم در دست مالکان باشد

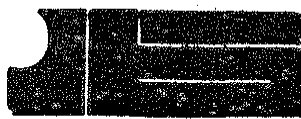
خوش نشینان روستاهای سرماله و سیدان (از روستاهای شوشتر) موفق شدند در سایه اتحاد و مقاومت، زمین های مالک را مستقلاً و بشفع خود کشت کنند.

خوش نشینان در روستای "سرماله و سیدان" پنجاه هکتار از زمینهای زمینداران را مصادره کرده و با برنامهای خاصی مبارزه به کشت آن کردند. این زحمتکشان قرار گذاشتند ابتدا خوش نشینان روستای سرماله قسمتی از زمین را بکارند و خوش نشینان روستای سیدان از آنها پشتیبانی کنند و بعد بقیه زمین را خوش نشینان روستای سیدان بکارند و خوش نشینان روستای سرماله از آنها پشتیبانی بکنند.

روز چهاردهم آذر حرکت آغاز شد خوش نشینان که پیش بینی میکردند با تهاجم مالکین این دو روستا (عسگری - کریمی - موسوی) مواجه خواهند شد، با چوب و بیل آماده دفاع

بقیه در صفحه ۸

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند



بقیه از صفحه ۱۰

مجبور شده بودند و بچه‌اش را از بیابان بگذرانند و با هوا زبیاورد. چهارده روز بود که دستگیرش کرده بودند. از زن و بچه‌ها پیش خبرنداشت.

مرد دیگری آنجا بود. یک پانداشت عبدالامیر صدایش می‌کردند. زن داشت و یک فرزند بنام مهدی میگفت در دارخوین عراقی‌ها به مزرعه خربزه‌اش ریخته‌اند. خرش را کشته اند و خربزه‌هایش را خورده‌اند. پاسداران هم او را بعنوان همکاری با عراق دستگیر کرده‌اند. میگفت نوزده روز است اسیر پاسدارهاست و در این نوزده روز بارها شکنجه شده‌است. پیرمردی شصت هفتاد ساله که صورتش پرچین و آفتاب سوخته و پاهای کمره بسته و قاچ قاچش نشان مرارتی کهن بود میگفت عراقی‌ها دخترم را بردند، گاوها و بیمرا کشتند و خوردند، خانه‌ام را خراب کردند. وقتی عقب نشستند پاسداران آمدند مرا هم دستگیر کردند و تا توانستند مرا کتک زدند. میگفت پاسداران می‌گویند تو صد ماحسین را میخواهی!

مردی از اهالی مجیدیه سوسنگرد میگفت بارها شکنجه شده‌ام. میگفت میگویند عراقی‌ها که به ده رسیده‌اند من آنها را راهنمایی کرده‌ام. اما بخدا عراقی‌ها اصلا به ده ما نرسیدند. آنها سی کیلومتری ده بودند.

چهار روز از زور و دم به این شکنجه‌گاه میگذشت که چهار رفیق رزمنده با پیکرهای شکنجه شده آوردند. رفیق‌هایی بسوی دستشویی رفت تا مستی آب به صورتش بزند، اما از شدت شکنجه به دستشویی نرسید، آفتاب دوازده روز رفت. تمام صورتش کبود بود و با دگرده بود. فکش خشک شده بود و تکان نمی‌خورد. یکی از زندانها پیش را شکسته بودند. پشت رفیقی دیگر از بس شلاق خورده بود مثل

شکنجه داغ‌نکی که...

زغال سیاه بود. نه می‌توانست راه برود نه می‌توانست بنشیند و نه می‌توانست بخوابد. دردا و رابه‌هرحالتی می‌کشید و در هیچ حالتی آرام‌داشت. مسرد دیگری را گرفته بودند و بارها به شکنجه کشیده بودند. کارگرموزائیک‌سازی بود با پیکری تکیده و سوخته. یکروز می‌آیند و چشم‌ها پیش را می‌بندند و می‌برند و به پیرمردی زندانی (پیرمرد با عصا راه می‌رفت) می‌گویند اینک می‌بینی صد ماحسین است. کارگرا نشان می‌دهد به پیرمرد می‌گویند اگر مسلمان هستی بایده‌ت می‌توانی او را بزنی و پیرمرد با عصایش به جان کارگرمی افتد! بطوریکه می‌بینیم این شکنجه‌ها اغلب در مراحل دستگیری و قبل از بازجویی و بمنظور تضعیف روحیه فرد دستگیر شده و سپس در جریان بازجویی‌ها برای گرفتن اقرار و کسب اطلاع بعمل آمده است. البته موارد بسیاری مشاهده شده که پس از اتمام بازجویی و حتی پس از صدور حکم هم شکنجه‌ها انجام گرفته‌است که در این موارد شکنجه‌ها جنبه تنبیه داشته‌است. برای نمونه از زندان زنان گزارشی داریم که مبین این وضع است "در این زندان گروه ضربت ویژه‌ای وجود دارد که ما مورس کوب زندانیمان است. این گروه بطور وحشیانه برای زندانیمان را کتک می‌زنند، در شرکتی که این گروه به یک زندانی سیاسی زده‌اند، این زن بمدت ۲ ماه در بیمارستان بستری بوده و جای پاشنه پوتین روی صورت او باقی مانده. همچنین در این زندان شخصی بنام مجتبی وجود دارد که مسئول شلاق زدن زنان است.

همچنین شخص دیگری بنام هاشم وجود دارد که معاون کچوشی (رئیس زندان) است. هاشم یک لاین تمام عیار است. او وحشیانه زنان را اعم از سیاسی و غیرسیاسی کتک می‌زند، یکی از اشکال شکنجه در این زندان اعدامهای مصنوعی است که از شکنجه‌های روحی بسیار وحشتناک می‌باشد. یکی از مادران هوادا رمجا همدین در نتیجه سیلی‌ای که کچوشی به گوشش زده شنوایی خود را از دست داده‌است. یک زن آبستن هم در شرکتک خوردن سقط جنین کرده است. اخیرا مادران زندانیمان را که

اعتراض کرده بودند، دستگیر کرده مدتی در توالیات انداخته و برق را قطع کرده و روز بعد برای تنبیه اابه‌هریک از آنها بین ۱۵ تا ۲۵ ضربه شلاق زدند. دختری از هوادا را مجا همدین بر اثر شکنجه یکی از دستهایش فلج شده‌است. مطابق گزارشی از یکی از زندانهای شمال قائم‌شهر، پاسداران، ماموران زندان دختران زندانی را "بجرم آنکه سرود می‌خواندند با پوتین و چوب شدیداً کتک می‌زدند.

قطعات فوق که از گزارشات رفقا نقل شده، مستی از خروارها موردی است که در اختیار ما و سایر نیروهای مترقی و انقلابی است. اینها بیانگر این واقعیتند که شکنجه و اذیت و آزار نسبت به مبارزینی که بخاطر پیروزی زحمتکشان میهن ما و بخاطر مبارزه علیه امپریالیسم با زداشت شده‌اند، در تمام مراحل، دستگیری، انتقال، بازجویی و حتی پس از محکومیت با شدت اعمال میشود. اکنون باید پرسید آنجائی که هنوز صحبت از "شایعه" شکنجه میکنند، به این اعمال وحشیانه و خلاف انسانی چه نام می‌گذارند؟ ما در شماره‌های آینده به جنبه‌های دیگری در رابطه با مسئله شکنجه خواهیم پرداخت.

خوش نشینان روستاهای

از زمین که آنرا حق مسلم خود میدادند و مقابل بله با زورگوشی زمینداران شدند.

خوش نشینان سر مال به شروع به کشت زمین مربوط به خود شدند و در حالیکه تراکتور مشغول شخم زمین بود آنها دور تا دور زمین مراقب و آماده ایستاده بودند. مالکین عده‌ای از کشاورزان ناآگاه روستای سیدانزا تحریک کردند که آنها میخواهند زمینهای شما را بکارند و با تحریک و دسیسه چینی توانستند عده‌ای از کشاورزان ناآگاه را در مقابل خوش نشینان قرار بدهند اما خوش نشینان با عزمی راسخ قصادا مسئله کشت را داشتند. کشاکش و درگیری بین دو گروه شروع شد و سپاه پاسداران هم وارد جریان شد. خوش نشینان میگفتند "هرکس جلوی ما را بگیرد زمین را

با خونس آبیاری می‌کنیم". چرا این مالکین زورگوش و مفتخور را نمیگیرند بیاندازند زندان، چرا جلوی ما را نمیگیرند می‌کن الان موقعیت برای این کارها نیست. باید فکر جنگ بود معلوم میشود جنگ برای اینها خیر و برکت داره، برای ما که جز فقر و فلاکت چیزی نداشته."

"خوش نشینان همچنین میگفتند" بچه‌های ما در جنبه هستند نه بچه‌های مالکین. بدبختی و گرانی و بیکاری ما بردوش میکشیم مالکین یک عمر مفتخوری کردند دیگر نمی‌گذاریم حتی یک متر زمین هم در دست آنها باقی بماند.

درگیری داشت شدت میگرفت که بالاخره توافق شده نماینده از خوش نشینان ها و سه نماینده از طرف مالکین و سپاه پاسداران شوشتر رفته و قضیه را حل و فصل کنند. در آنجا نیز خوش نشینان از خواستهای خویش دست بردارنده و از عمل انقلابی خویش دفاع میکردند. سرانجام آنها موفق شدند قدرتی که در سایه اتحاد و همبستگی خود

بدست آورده بودند به زورگوشی مالکین و سپاه غلبه کنند و بقیه زمین را هم طبق برنامهای که خود ریخته بودند بکارند خوش نشینان پیروزی خود را جشن گرفتند و با دیگران این حقیقت مسلم را ثابت کردند که توده‌های متحد و متشکل همه چیزند و توده‌های نامتحد هیچ چیز.

در تکثیر و توزیع آثار سازمان بکوشید

برافراشته باد پرچم مبارزه ایدئولوژیک



شکنجه داع ننگی که بر پیتانی جمهوری اسلامی فیزحک شده است!

بقیه از صفحه ۱

دولت جمهوری اسلامی هنگام تدوین قانون اساسی تحت فشار توده ها که سالها از شکنجه های رژیم وابسته به امپریالیسم شاه رنج برده بودند، ناچار شد در این قانون اصلی را درباره منع شکنجه بگنجد. اما در همین اصل نیز استخوان لای زخم گذاشته شد! "خبرگان" این اصل را چنین تدوین کردند: "هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار یا کسب اطلاع ممنوع است." در این اصل تنها شکنجه ای که برای گرفتن اقرار یا کسب اطلاع اعمال شود ممنوع است نه شکنجه و اذیت و آزار به دلیل و باین ترتیب قانونا راه را برای بازگذاشتن آنکه تحت عنوان تشبیه و یا مجازات شرعی (حدود و تعزیرات) انواع و اقسام بدرفتاریها و شکنجه را درباره بازداشت شدگان و زندانیان اعمال کنند. مادر همان هنگام تدوین قانون اساسی به این نقض آشکار ابتدائی ترین حقوق مردم اعتراض کردیم و نوشتیم که تدوین چنین اصلی باین شکل عملا زمینه را برای قانونی کردن شکنجه فراهم میکند.

قابل تذکر است این که نهوه بر خورده مسئله شکنجه در زمانی است که اعلامیه جهانی حقوق بشر در اصل ۵ صراحتا چنین مقرر میدارد: "احدی را نمیتوان تحت شکنجه یا مجازات یا رفتاری قرار داد که ظالمانه و یا بر خلاف انسانیّت و شئون بشری یا موهن باشد."

بطوریکه دیده میشود این اصل کلیت دارد و ممنوعیت شکنجه و یا رفتار ظالمانه را در هر موردی میدانند و آنرا منحصر به گرفتن اقرار یا اطلاع نکرده است. بعدها مجمع عمومی سازمان ملل تحت فشار کشورهای غیر متعهد جهان تعریف جامع و روشن تری برای شکنجه بدست داد. در قطعنامه ۲۴۵۲ مورخ ۹ دسامبر ۱۹۷۵ که همه اعضای سازمان ملل ملزم به رعایت آن هستند تعریف شکنجه چنین آمده است:

"شکنجه عبارتست از هر عملی که توسط یک مقام رسمی نسبت بیک فرد اعمال شود که موجب درد و مشقت او گردد. این امر (درد و مشقت) اعم از بدنی یا روحی و روانی می باشد. هنگامی (این عمل) شکنجه تلقی میشود که توسط یک مقام رسمی اعمال شود و این عمل برای اخذ اقرار یا کسب اطلاعات از فرد بازداشت شده و یا شخص ثالث باشد، یا شکنجه بعنوان مجازات و تشبیه در مورد فردی خاطر عملی که انجام داده و یا متهم بانجام آنست بکار برده شود و یا هدف شکنجه تهدید فرد یا اشخاص دیگر

اسلامی در همان ماههای اول بعد از قیام دستگیری مبارزان و انقلابیون با آزار و شکنجه توأم بود، ما مورین اذیت و آزار را بلافاصله پس از دستگیری شروع کرده و تا مراحل بازجویی و بازپرسی آنرا ادامه میدهند.

انواع شکنجه های بدنی، شکنجه های روحی و روانی، اعدا مه های مصنوعی و... در مورد متهم بکار گرفته میشود. البته فرقی که با گذشته دارد اینست که ما مورین جمهوری اسلامی تازه کار روش شکنجه ها را بصورت سیستماتیک عمل نمیشود و آلات و ابزارهای متعدد نیز بکار گرفته نمیشود (هر چند مواردی دیده شده که شکنجه های سیستماتیک هم بکار برده شده و این نشانگر آنست که از ما موران با تجربه! نیز استفاده میشود).

بازداشت شده را از همان ابتدا که دستگیر میکنند برای ایجاد رعب و وحشت شروع به کتک زدن میکنند. پس از انتقال به ماشین بلافاصله روی سر او را پتویا گونی می اندازند تا کف ما شیون میخوابانند با چشم های او را می بندند. در داخل ماشین از متهم با مشت و لگد "پذیرائی میکنند". پس از آنکه او را به کمیته یا یکی از "خانه های امن" کمیته برده، از هر طرف به متهم حمله کرده و او را به سختی مورد ضرب و شتم قرار میدهند. در اینجا انسان بی اختیار بیاد "اطاق فوتبال" ساواک می افتد. همه این برنامها برای آنست که روحیه بازداشتی را تضعیف کرده و او را آماده برای بازجویی کنند. و در این اوضاع و احوال است که بازجویی آغاز شده و از او آدرسی منزل، روابط و وابستگی سازمانی، اعتقادات سیاسی و... را میخواهند. اغلب دیده شده بازداشتی را که برای بازرسی خانه می برند در همان جا، جلوی اقوام و همسایگان مضروب کرده و مورد موهن ترین دشنام ها قرار میدهند.

درباره اعمال شکنجه نسبت به زندانیان سیاسی و مبارزان انقلابی استناد ما به اسنادی است که رفقای ما در اختیار سازمان گذاشته اند. اسناد دیگری که در نشریات نیروهای دیگر انقلابی نظیر مجاهدین بچاپ رسیده، پرونده ننگین اعمال شکنجه توسط جمهوری اسلامی را قطورتر میسازد. ما از میان ده ها سند موجود، تنها به انتشار چند نمونه از آنها بسنده می کنیم: رفیقی که ضمن بحث کردن جلوی یک بساطی دستگیر شده است مینویسد: "پنج پاسدار مرا گرفتند و بداخل

باشد...".
مقایسه ماده ۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر و قطعنامه ۲۴۵۲، با اصل ۲۸ قانون اساسی نشان میدهد که تنظیم کنندگان قانون اساسی ما حتی حاضر نبودند ابتدائی ترین موازین حقوق بشر را که حتی حکمستهای سرمایه داری هم ناچار به قبول آنند، در نظر بگیرند. اما عمق فاجعه باینجا ختم نمیشود. مسئله بر سر اینست که دستگا ههای سرکوب و امنیتی جمهوری اسلامی حتی باین قانون نیم بند هم وقتی ننهادند! حقانیت انگارنا پذیر نشان میدهد که گنجانیدن چنین اصلی در قانون اساسی مانع از آن نشده که دستگیر شدگان در مراحل بازداشت، انتقال، بازجویی و بازپرسی و حتی پس از محکومیت از شکنجه شدن مصون بمانند. مردم شاهدند که ما مورین کمیته ها، پاسداران حکومتی که در حکم ضابطین دادگاههای انقلاب هستند برای اصل ۲۸ قانون اساسی تریه هم خورد نکرده، و نمیکنند! واقعیت اینست که وجود قانون مسئله ای را حل نمیکند. مگر در زمان شاه اعمال شکنجه در ابعاد وحشتناک و گسترده بعلت نبودن قانون بود؟ میدانیم که در همان رژیم قانونی وجود داشت (که اکنون هم این قانون معتبر است) که ما مورین قضائی و غیر قضائی دولت را از اعمال شکنجه منع میکرد و مجازاتهای سنگینی هم برای عاملین و آمرین شکنجه قائل میشد (ماده ۱۳۱ قانون مجازات عمومی) اما همه این مقررات جز بایچه ای در دست رژیم نبود. و از آنجائیکه رژیم ما هیتا ضد خلق و پاپیال کننده ابتدائی ترین حقوق مردم بود، از اینرو ما موران جنایتکار ساواک بدون ترس از اجرای قانون و مجازات، با دست باز، دست اندرکار شکنجه بودند. آنها در کار خود فعال ما یشاء بودند و هیچ قدرتی یارای مقابله با آنها را نداشت تمام موازین قانون و مقررات از جانب آنان به هیچ گرفته میشد. پس از قیام هم در رابطه با بازداشتها و اعمال شکنجه و اذیت و آزار با وجودیکه تفاوتهائی با گذشته هست، ما موران بازداشت و بازجویان عملداستان باز است که هوگاری بخواهند بکنند. و از آنجا که هیچکس معارض آنها نبوده و آنها هم در مقابل هیچ مقامی جوابگو نبوده و نیستند به نحو خودگا مه ای عمل میکنند و بنا بر این وجود اصل ۲۸ در قانون اساسی هم دردی را دوا نکرده و ما مورین برای آن پیشگیری ارزش قائل نیستند. شیوه های بازجویی توأم با شکنجه های جسمی و روحی در جمهوری

پیروزباد مبارزات ضد امپریالیستی دهکراتیک خلقهای ایران

بقیه در صفحه ۱۰

بقیه از صفحه ۹

ماشین انداختند... در میان راه که می‌آمدیم مرا بیک ماشین استیشن آهو منتقل کردند و در حالیکه جای خلوتی بود تحویل دهنده روگرد به پاسداران دیگر و گفت: این فدائی است ببریدش پایگاه تا من بیایم در میان راه در ماشین برخورد پاسداران با من بسیار زنده بود. آنها مرتباً به کمونیستها فحش میدادند تا اینکه یکی از آنها روگرد بمن و گفت: تو زن و بچه داری؟ در جواب گفتم بلی او گفت کمونیستها زنهایشان را با یکدیگر عوض میکنند! و مرتب فحش میداد و دیگران هم میخندیدند و هر کدام چیزی میگفتند. من در حالیکه از حرفها و عمل آنها بسیار به خشم آمده بودم، در داخل ماشین نزدیک بود با آنها گلاویز شوم. وقتی با اینکار موفق نشدم، شروع به اعتراض کردم و به پاسداری که از همه بیشتر به کمونیستها فحش و ناسزا میداد که شایسته خودشان بود، گفتم: مواظب حرف زدن باش. در غیر این صورت ترا شناسائی کرده و اگر ستاره بشی و به آسمانها بروی پیدایت می‌کنیم و تلافی ناسزاهائی که شایسته تو و دیگر دوستانت است خواهیم داد. بعد از یکساعت به محلی که پایگاه یکم نامیده میشد رسیدیم... پاسدار در حالی که رو بمن نمود گفت این فدائی است و اینها هم یعنی دو نفر بقیه از این پشتیبانسی کرده و جلومردم به پاسدارها فحش میدادند سینه‌شان را بالا زده و میگفتند با گلوله بزنین. و باز جو، در حالیکه هیچ حرفی از ما نپرسید شروع نمود به کتک زدن ما سه نفر و ما شده بودیم مثل توپ فوتبالی زیر پای آنان، و هر کدام از کنار ما رد میشدند با مشت و لگدم را کتک میزدند. پس از مدتی دو نفر دیگر را نمیدانم آزاد کردند با جای دیگری منتقل کردند. و نوبت من شد. حالا با ۸ الی ۱۰ نفر پاسدار تنها ماندم هر کدام که دستشان می‌رسید مرا بشدت میزدند و از آنجا که من ناراحتی زخم معده داشتم، شروع به اعتراض کردم و وقتی دو نفر از آنان فهمیدند من زخم معده دارم با شدت بیشتری تمام ضربات را به شکم وارد میکردند و هیچ حرفی برای توضیح دادن، بمن نمیدادند. در این مدت من به رفتار تمام پاسدارها دقیق شده بودم یکی از آنها که پسری تقریباً ۱۸ ساله بود، بنظر مؤدب میرسید و ظاهراً که مرا میزدند ناراحت شده بود و سعی میکرد جلوی کتک زدن آنها را بگیرد. بعد از یکساعت کتک زدن یکی از بازجوها مرا تحویل زندانین داد و گفت ببریدش!

ناگفته نماند در ضمن اینکه سه نفر بازجو از من بازجویی میکردند یکی از پاسداران بیخبر اسلحه‌اش را که کلت بود روی پیشانیم گرفت و ماشه را چکاند، در حالیکه من (ناخودآگاه) تکان مختصری خوردم تمام آنها شروع کردند به خندیدن با صدای بلند. یکی

شکنجه

از آنان میگفت: زکی چریک فدائوسی همینه؟ در حالیکه به سلولی منتقل شدم از بس تاریخ بود متوجه نشدم که در سلول افراد دیگری هم هستند. در حالیکه از شدت درد کتک‌های آنها نمیتوانستم روی پاها ایم با ایستم به گوشه‌ای خزیدم و بعد از مدتی شروع به احوالپرسی با دیگر زندانین کردم... پس از مدتی من ماندم و یکی دیگر از زندانین، علت زندانی شدن او را سؤال کردم و اظهار داشت بجرم فروش نشریه کار. بلافاصله از او سؤال کردم اکثریت یا اقلیت. در جواب اظهار داشت اقلیت... هر دو به موضع یکدیگر آشنا شدیم و هر دو بسیار خوشحال شدیم و در حالیکه تاریکی مطلق سلول را فرا گرفته بود و ما همدیگر را نمی‌دیدیم خیلی زود با هم رفیق شدیم. و در همان تاریکی صحبت می‌کردیم. حوالی ساعت ۱۲ شب بود که دو نفر با سه نفر پاسدار آمدند و در حالیکه چراغ قوه به صورت ما دو نفر انداختند از رفیق خواستند بیرون بروی و رفیق که بیرون رفت او را به پشت سلول بردند و آنقدر او را کتک زدند که صدای مشت و لگدشان شنیده میشد و بعد از یک ربع کتک زدن درب سلول را باز کردند و او را به داخل سلول انداختند و بلافاصله من در تاریکی که هیچ چیز دیده نمی‌شد با حرکت دست، رفیق را پیدا کردم. رفیق را آنقدر زده بودند که یا رای حرف زدن نداشت. و فقط در چند کلمه گفت: حال خوب است برو بخواب... و من که شیوه رفتن او را ساواک با انقلابیون را خوانده و شنیده بودم، رفتار ایشان را همان می‌دیدم. و تا صبح نخوابیدم و هر آن منتظر بودم که بیایند و مرا هم ببرند و همان کتکی را که به رفیق زدند به من هم بزنند... رفیق دیگری که پس از مدتی تعقیب شدن دستگیر شده نحوه بازجویی را چنین تشریح می‌کند. توضیح آنکه این رفیق را بدون آنکه با او بگویند، از تهران به اصفهان برده و در آنجا بازجویی را شروع کرده‌اند:

چشم‌ها را با زک کردند. شب را آنجا خوابیدم و صبح بازجویی شروع شد. تا ظهر ۴ بار بازجویی شدم. کتک زیادی نیز در این فاصله خوردم، زیرا مجبور به اقرار کمونیست بودن، هوادار بودن، فعال بودن و غیره شدم. روز بعد تعدادی زندانی آوردند. تنبیه بدنی در باره آنها بسیار سخت بود. با کابل کف پاهایشان می‌زدند. پاهایشان پراز خون بود. دور و دور دوباره جهت بازجویی به اطاق دیگر رفتم. بازجویی پیرامون آدرسی بود که در روستاهای اطراف... با آنها داده بودم. ظاهراً هر چند رگشته بودند آنجا را پیدا نکرده

بودند. اما مکانات ارتباطی شان بنا تمام می‌شهرها برقرار بود، (اکثر این مکانات از جمله بیسیم مخصوص ارتش بود) بازجویی با کتک کاری تمام شد. پیرامون شماره‌های گزارشات بسیار بعد از ظهرها نروزد را طاق خودمان در حضور بقیه بچه‌ها تنبیه بدنی شدم. ناگفته نماند که از یکشنبه شب اعتصاب غذا کرده بودم و از دوشنبه بعد از ظهر به بعد جز یکی دو مورد جزئی دیگر کتک نخوردم. ولی رفقا ایم را که بتا زگی آورده بودند مرتب شلاق می‌زدند و ولی آنها دم نمی‌زدند... رفیقی که در جنوب کشور در منطقه جنگ زده دستگیر شده تجربه زندان، شکنجه و بازجویی‌های خود و همزنجیراش را شرح می‌دهد:

بعد از مدتی از ریو پیاده ام کردند. گویا جلوی دری. بعد هر چند لحظه یکبار مرا بر است و بچپ می‌پیچانند و گواه بگاه میگفتند سرت را خم کن، پایت را بلند کن. وقتی بیشتر پیش رفتیم فهمیدم آنها میخواهند و انمود کنند که داریم از دهلیزها و نقب‌های خوفناک می‌گذریم که جا بجا درهای آهنی محکمی دارد! که بی اختیار بیاد شیوه‌های مزدوران رژیم شاه افتادم و بتجربه رفیق یوسف زرگاری، یکر است مرا بردند و به سلولی انداختند و در راستند و رفتند مدتی بعد آمدند و مرا به اطاقی بردند روی یک صندلی نشاندند. چشم‌ها را بسته بود اطاق ساکت بود. لحظه‌ها شنی گذشت و بعد کسی وارد شد. یکریز فحش می‌داد. گفتم آخر می‌خواهم بداند برای چه مرا گرفته‌اید، چرا فحش می‌دهید؟ که ناگهان مشت و لگد شروع شد. از صندلی پرت شدم و در همان حال فریاد زدم آخر چرا می‌زنین؟ واو گفت چون همه شماها ما در قحبه هستید، شما کمونیست‌ها از دماغ خون بیرون زده بود گفتم ما مردم خدمت میکنیم. شما هر چه میخواهید بگوئید. گفت اگر حرف بزنی می‌کشتم، و با زمر با سلول انداختند. صورت و لثام با دکرده بودا بینا رچشم بند را برداشته بودند دست‌ها را بینا زبند، شب با سلولهای کناری با احتیاط کمی حرف زدیم. همه عرب بودند.

ساعت ۷/۵ صبح با صدای در سلول بیدار شدم. شب در سرمای سلول، با یک پتوی سربازی، روی کف نمناک خوابم برده بود. گفتند می‌توانم به دستشویی بروم. بیرون که رفتم از حیرت درجا می‌خکوب شدم در یک حیاط! و در واقع در یک اطاق ۳x۴ بدون سقف حدود پنجاه زندانی پتوهای سربازی را دور خود پیچیده بودند و در هم رفته بودند. در گوشه این حیاط که با اندازه یک غربال بود یک دستشویی بدیوار چسبیده بود و کنار دستشویی دری تنگ براه روی کوچک مستراح بازمی‌شد. بوی گند حیاط کوچک را هروراً پر کرده بود. مردی از روستای دارخوین آنجا بود سخت شکنجه شده بود. خانه‌اش در حمله مزدوران عراقی فروریخته بود و او

بقیه در صفحه ۸



سرمایه داران چگونه از جیره بندی سود می برند

پیدا نمیشود که هرهای خارجی که هستند اگر بنیر معمولی کم است پنیروهای رنگارنگ خارجی زیاد است، اگر ما بون ایرانی نبود ما بون خارجی را بقیمت گران تر میخرند.

بله ثروتمندان با تکیه بر قدرت پول و توانائی خرید خود میتوانند در شرایطی که فقط معدودی کالا جیره بندی شده است مواد مصرفی خود را تغییر دهند و از انواع دیگر مواد استفاده کنند اما آیا کارگران و زحمتکشان امکان تغییر مواد مصرفی خود را دارند؟ آیا زحمتکشان میتوانند روغن ما زولا بخرند آیا کارگران میتوانند در عوض سیگارها سیگار رو بستون بکشند و آیا توده های مردم میتوانند گوشت تازه را کیلوئی شصت تومان بخرند؟ مسلمانان به پروشن است که چگونه جیره بندی اعمال شده بر اقلام معدودی از کالاهای مصرفی که آنهم بیشترین مصرف آن از سوی زحمتکشان است بیشترین فشار کمبود و گران شدن را بر دوش توده های مردم وارد می آورد.

هنگامی که به تمام ما بین موارد پارسی بازی، رشوه خواری و توزیع ناعادلانه بین شمال و جنوب شهر و دیگر حیلله های کثیف بورژوازی را نیز بیفزائیم آنگاه آبعاد مساله روشن تر میگردد. مسلم است که کارگران و زحمتکشان با دستمزد بسیار ناچیز خود قادر به رشوه دادن نیستند. مسلم است، که کارگران و زحمتکشان نمیتوانند در اداره ها، وزارتخانه ها، شهر بانی و هر جای دیگر برای خود پارسی بتراشند و مسلم است که اینبار نیز پول بر روابط جامعه سرمایه داری حاکم است.

تحت این سیاست ارتجاعی است که اولاً روز بروز بر سود سرمایه داران و تجار و محترکان افزوده تر میگردد، آنان با احتکار این مواد و ارائه آن در بازار سیاه سودهای کلان و افسانه ای بجیب میزنند. ثانیاً ثروتمندان و سرمایه داران فارغ البال از جیره بندی به مصرف بی رویه و زندگی کثیف و انگلی خود مشغولند و حداکثر این است که سوزو سرما و خستگی صفت را مستخدمین زحمتکش آنها تحمل میکنند و آنان با خیال راحت به مصرف میپردازند و در آخر توده های زحمتکش هر روز کمتر مواد مصرفی و ما بحتاج زندگی خود دست می یابند، هر روز زندگی مشکل تر و طاقت فرسا تر میگردد و هر روز با پید ساعات بیشتری را در مصرف گذرانند. با تحمل این فشارها و با دیدن این

بقیه در صفحه ۱۳

و سرمایه داران و بازاریهاست که از این محصولات لبریز است مساله به چه صورت در می آید؟ کارگران و زحمتکشان واقشار فقیر و میانه مجبورند ساعتها در صف های طویل در انتظار جیره ناچیز مواد مصرفی خود بایستند در حالی که ثروتمندان و سرمایه داران و توانگران براحتمی ما بحتاج خود را از بازار آزاد (البته بقیمت گران تر) تهیه میکنند. کارگران که در بساط ندارند ساعتها در سوز و سرما برای گرفتن سهم ناچیز روغن مصرفی خود می ایستند اما ثروتمندان با خرید روغنهای خارجی و روغنهای ما ببع به قیمت کیلوئی ۳۰ تا ۴۰ تومان، هر روز غذاهای چرب تر و بهتری میخورند و در این میان جیب تا جران و محترکین هر روز پروپرتی میگردند و تخم مرغ که دیگر در محلات فقیر نشین حکم کیمیا را پیدا کرده است، در شمال شهر کیلوئی ۲۰ تا ۲۲ تومان براحتمی خرید و فروش می شود. پودر لباس شوشی که بسختی و با ساعتها ایستادن در صف - آنهم بمقدار اندک بدست زحمتکشان میرسد - برای ثروتمندان که میتوانند با بت هر قوطی ۱۸ تومان بپردازند همواره آمده است و بنزین براحتمی بقیمت لیتری ۱۰ تومان بدست می آید فقط کافیت بتوانسی کوپن سی لیتری را ۲۱۰ تومان بخری و بهمین دلیل هم می بینیم که در خیابانهای شمال شهر و در راه بندان های موجود در صدا تومبیل های آخرین مدل بسیار بیشتر و بیشتر شده است.

مساله دیگر این است که ببینیم بر اثر جیره بندی اقلام معدودی از مواد مصرفی (که عمدتاً نیز مواد ضروری مورد نیاز زحمتکشان را تشکیل میدهد) بیشترین فشار کمبود به چه کسانی وارد میشود؟ نیازی به بیان پاسخ این سوال نیست زیرا که توده های زحمتکش به شدیدترین وجهی با گوشت و پوست خود الماس میکنند که بیشترین فشارها بشکل روزافزونی بر آنان وارد میگردد اما باید دید چرا چنین است؟ جواب مساله روشن است. ثروتمندان و سرمایه داران حتی اگر مواد جیره بندی شده را اطلان نتوانند به دست آورند (د رعین حال که نه تنها می توانند بلکه بسیار بیشتر هم بدست می آورند) باز هم کوچکترین غمی ندارند. اگر برنج گیر نیارند (که البته نوع اعلای آنرا گیر میارند) چلو کباب هم می خورد ۳۰ تومان میخورند، اگر روغن نبود شام را در رستوران میخورند، اگر چه برای هر نفر ۵۰ تومان خرج شود، اگر نان کم شد نان سوخاری که هست، اگر کره پاستوریزه

بحران اقتصادی و جنگ دولت جمهوری اسلامی را او داد نمود تا با صلاح سیاستهای در جهت "بمنظم در آوردن مصرف" بکارگیرد. دولت برخی از ما بحتاج عمومی را جیره بندی نموده و به توزیع کوپن پرداخته است. در این سیاست که جهت حفظ و حراست سیستم بحران زده و سرمایه داری وابسته بکار گرفته شده است تنها چیزی که مدنظر قرار نگرفته است، منافع توده ها و زندگی فلاکت بار آنان بوده است. به همین علت است که کارگران و زحمتکشان هر روز بیشتر تحت فشار قرار میگیرند و تمامی مناصب و کمبودها و همه بازرگانی بردوش آنان فرود میآید. نا رضایتی اوج یا بنده توده ها از ایستادن در صفهای طویل در سوز و سرما و در رفتن ساعتها از اوقات روزشان، با زتاب این مساله است اما اساس مساله چیست؟ چرا در سیستم جیره بندی که از سوی دولت اعمال میشود بیشترین فشار بر بردوش توده ها است؟ علت اصلی این مساله در ماهیت دولتی است که جیره بندی را اعمال میکند. دولت بورژوازی در پیشبرد تمامی سیاستهای منافع سرمایه داران را حفظ و حراست میکند در نتیجه مسلم است که جیره بندی اعمال شده از سوی او نیز بمنافع آنان کوچکترین لطمه ای وارد نمی آورد. دولت بورژوازی که از قدرت گیری و اعمال کنترل توده ها وحشت دارد و در سیاست جیره بندی شریک توده ها کمترین کنترلی نخواهند داشت. در سیستم بورژوازی عامل قدرت پول است، نقش تعیین کننده با پول است و توانگران به هر کاری قادرند و در نتیجه جیره بندی اعمال شده توسط دولت بورژوازی نیز در مورد توانگران شیوه ای دیگر عمل میکند.

ببینیم مساله در شکل عملی خود چگونه انجام میشود. دولت برخی از اقلام مورد نیاز چون تخم مرغ، روغن، پودر لباس شوشی بنزین و... را جیره بندی کرده و توزیع آنرا بصورت کوپنی در آورده است و این مساله ای که به ذهن میرسد این است که مگر واردات و تولید تمام این محصولات در دست دولت است که او این سیاست را اعمال میکند، مگر تمامی واردات و تولید تخم مرغ تحت کنترل دولت است، مگر تمامی انبارهای روغن را دولت در دست دارد، مگر تمامی تولید و واردات پودر لباس شوشی را دولت بعهده گرفته، مگر... جواب مساله مسلماً منفی است. دولت جیره بندی را اعلام نموده و سعی در اعمال آن دارد اما واردات و تولید محصولات در دست سرمایه داران است. انبارهای تجار

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر پیش از مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

سرمایه داران چگونه از جیره بندی سود می برند

بقیه از صفحه ۱۱

جیره بندی در خدمت خلق قرار میگیرد، زحمتکشان مواد بیشتری بدست میآورند، قیمت ها تعدیل میگردد و فشار کمبود در سطح جامعه سرشکن میشود.

ما باید تمام این مسائل را به توده ها توضیح دهیم.

اما مسأله دیگری این است که اینک و در شرایط فعلی چه سیاست عملی را میتوان پیش برد در این مورد باید گفت که در عین افزایش وسیع حاکمیت و نیز افزایش کار ملماهیت ضد خلقی راه حل ارائه شده توسط لیبرالها و توضیح کافی و صبورانه راه حل انقلابی، در عمل رفقا باید سعی در سازماندهی شوراها و محلی و بدست گیری مستقل توزیع ما یحتاج در محلات بنمایند. باید توده ها را آگاه اینک در عمل از تقسیم ما یحتاج توسط مساجد و بسیج و کمیته ها به تنگ آمده اند و در عمل به رشوه خواری و پارتی بازی و تقسیم ناعادلانه آن می پردازند در شوراها و محله ها زمان داد نباید. توده ها را هر چه بیشتر بسیج و متشکل نمود و با استفاده از پشتیبانی آنان بر نهادهای دولتی چون کمیته ها، بسیج و... فشار وارد نموده و توزیع ما یحتاج عمومی در سطح محله را بدست گرفت. آنگاه است که میتوان در عین توزیع عادلانه (در محدوده عمل و در حد قدرت شورا) تمام می زد و بندهای پشت پرده، تمام می دزدیها و رشوه خواریها و تمام می کارشکنیها و فشارها را بطور کامل در بین توده ها افشا نمود و آنان را در این جهت بحرکت در آورد. از سوی دیگر شوراها و کارخانه ها نیز باید توزیع مواد مصرفی، و ما یحتاج کارگران چون تخم مرغ، سیگار، مابون، پودر لباسشویی و... را در دست خود گیرند و بدین طریق راه مفتخواری و سودجویی عوامل سر-مایه داری را ببندند.

باید به توده ها توضیح داد که اشکال در جیره بندی نیست، اشکال در دولتی است که این سیاست را بشکل ارتجاعی آن اعمال میکند، باید به توده ها توضیح داد که حتی اگر این دولت نیز میخواست (که مسلماً نه میخواهد و نه میتواند) می توانست با اعمال جیره بندی انقلابی به تعدیل قیمت ها و تعدیل فشار و وارد بر دوش زحمتکشان دست زنت. باید توضیح داد که در جیره بندی انقلابی با ایدئولوژی کنترل در دست توده های زحمتکش قرار گیرد، باید تمام می تولیدات، واردات و توزیع این مواد بشکل متمرکز بدست دولت باشد و با اعلانی بودن تمامی معاملات و خرید و فروش و حساب های تولید، توده ها برای اعمال دولت نظاره کنند. دولت باید ب مردم حساب پس بدهد. باید همه انبارهای محتکران مساعده شود. باید تمام می زحمتکشان در تعاونی های مصرف متشکل شوند و اداره آن بدست شوراها و کارگران و زحمتکشان قرار گیرد. باید کارگران و زحمتکشان کنترلی وسیع بر تمام می توزیع و مصرف انجام شده بخصوص مصرف شوتمندان اعمال نمایند. باید همه کالاها بشکل عادلانه و از طریق تعاونی مصرف بین توده ها تقسیم شود و آنگاه است که

نا برابری ها است که توده ها در عمل بر ضد جیره بندی ارتجاعی دولت بسیج گشته اند و در هر طرف، در هر مغازه و در هر خانه سخن از ضد مردمی بودن این سیستم است، و اما درست بر روی امواج همین ناراضی است که لیبرالها قصد دارند سوار شوند و جهت حمله را بسوی کمونیست ها و سیستم کمونیستی و بسوی نیروهای که سرمایه داری را بزرگ سوال میکشند بر گردانند و در عین حال نیز زمینه را برای گسترش و تحکیم هر چه بیشتر و سریع تر روابط با امپریالیست ها آماده سازند. حاکمیت و نیروهای ارتجاعی بخصوص لیبرالها سعی دارند بسدروغ تصویر زشت و چندش آوار از نظام سوسیالیستی در اذهان توده ها رسم کنند. آنها اینطور وانمود میکنند که سوسیالیسم یعنی کمبود جیره بندی دائمی، صف و زندگی کوپنی، باید برای توده ها توضیح داد که فقط و فقط سوسیالیسم و در نهایت کمونیسم است که رفاه اجتماعی و زندگی انسانی را برای کارگران و زحمتکشان فراهم خواهد کرد. در سوسیالیسم شکوفایی سریع و دائمی نیروهای مولده، رشد روز افزون صنایع و کشاورزی، برنامهریزی اقتصادی و تولید مبتنی بر نیازهای جامعه و... تمام می عواملی هستند که سطح رفاه اجتماعی را بشکل روز افزونی ترقی می بخشد. سیستم سوسیالیستی با بر آورد صحیح و کامل نیازهای جامعه و برنامهریزی دقیق تولید در جهت بر آورد ساختن این نیازها، خواسته های معیشتی و رفاهی توده ها را بشکل روز افزونی تا مینمی کند. جیره بندی فقط در موارد معدود و ویژه ای چون جنگ، خشکسالی و... بکار بسته میشود و فقط در این شرایط است که جیره بندی انقلابی مبتنی بر تمام منافع توده ها، تقسیم و توزیع عادلانه هر آنچه موجود است و هر آنچه بدست می آید، بکار گرفته میشود.

هیئت حاکمه و مسئله...

بقیه از صفحه ۱۵

نینداخته، و با دقت کلیه مواردی که ممکنست مورد "تجاوز" و "غصب" قرار گیرد، بر شمرده است.

به این ترتیب، هیات حاکمه، از یک طرف با "وعده های سرخرممن، فتوای علما، بخشنامه ها و لوایح تهدید آمیز و سرکوب رسمی و غیر رسمی، و از طرف دیگر با حمایت مستقیم و بسی دریغ از مالکان و مسلح کردن بخشی از آنان، به جنبشهای دهقانی پاسخ میدهد.

علیرغم این دسایس هیات حاکمه، جنبش دهقانی هر روز دامنه گسترده تری بخود میگرفت. در بهار و تابستان ۵۸ مصادره انقلابی اراضی زمینداران از گسترش و تعمیق بی باقیه ای بر-خوردار شد (کردستان، ترکمن صحرا، لرستان، زنجان، قسمت های از

کردستان...) و با با مسلح کردن خوانین (کردستان، بلوچستان و...) حفظ امنیت منطقه را بدست آنان می سپرد (در همین رابطه با خسرو خان قشقایی از طرف آیت الله خمینی روانه فارس شد، به روزنامه با مداد ۲۹ آذر ۵۸ مراجعه شود).

وزمانی نیز دهقانان به عکس العملهای قانونی نسبت به اقدامات "خودسرانه" و "غیر قانونی" تهدید می شوند. در این خصوص، دولایحه در مورد "جلوگیری از هرگونه تجاوز و غصب و تصرف عدوانی و مزاحمت و ممانعت از حق نسبت به املاک و اراضی مزروعی و شهری و باغات و قلمستانها و منابع آب و موسسات کشاورزی و تاسیسات دامداری و واحدهای کشت و صنعت" از تصویب گذشت (روزنامه رسمی کشور ۵۸/۱/۲۳) و مقرر شد که "در صورت تکرار جرم"، هیئت رسیدگی "موظف به صدور حکم به تبعید یا توقیف حداکثر تا یکسال میباشد. در این لوایح که دهقانان تهدید به تبعید یا توقیف شده اند، هیچ نکته را هیات حاکمه از قلم

بلوچستان، فارس و...) فتوا، تهدید و سرکوب نه تنها نتوانست از سیر صعودی "تجاوز و غصب و تصرف اراضی توسط دهقانان جلوگیری کند، بلکه امید به تحقق وعده و وعیدهای دولت به تدریج در ذهن دهقانان ذوب میشد. توهمات در حال فروپاشی بود اما دولت موقت انقلابی که بر توهمات توده ها تکیه زده بود، و با سازی سریع سرمایه داری وابسته را پیش روی داشته همچنان به سیاستهای بی پرده دفاع از منافع مالکین، حفظ و تثبیت مالکیت مالکان بر زمین و انحراف و سرکوب جنبشهای دهقانی، ادامه میداد. از جمله این اقدامات تدوین "قانون نحوه واگذاری واحیاء اراضی" در مهر ماه ۵۸ بود که در آن - فشرده طرز تفکر "دولت موقت" درباره مسأله ارضی را میتوان مشاهده نمود. از اینرو، و نیز از آنجا که این قانون قرابت بسیاری با موضع گیریهای خیر هیات حاکمه در این امر دارد، به بررسی آن می پردازیم.

ادامه دارد

با اتکاء به نیروی توده ها برای صلح دموکراتیک در کردستان بکوشیم

هیأت حاکمه و مسئله ارضی

۱- شریبی یال و دم شورای انقلاب دفن شد!

ادامه جنگ دولتهای ایران و عراق و گسترش و تعمیق بحران اقتصادی، نقاب از چهره هیأت حاکمه می برد و ماهیت ارتجاعی آنرا بیش از پیش عریان میسازد. برای هیأت حاکمه، جنگ آن فرصت مغتنمی است که با اتکاء به آن، سرکوب مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک توده ها را شدت بخشیده، عقیم کردن دستاورد های مبارزات توده ها را سرعت بدهد. حاکمیت که در بعضی زمینه ها، تحت فشار جنبشهای توده ای، وادار به عقب نشینی و دادن امتیازاتی محدود شده بود و با نسبت به ابتکار انقلابی توده ها سکوت پیشه کرده بود، اینک قصد آن دارد که در حد امکان و با بهره گیری از شرایط جنگی، در بازستاندن آن امتیازات عجله کند. از این جمله لایحه واگذاری زمین است که تحت فشار مشتقیم جنبشهای دهقان و زمینطور مهاجر درواغاده "نظم" در روستاها بصورتی مشروط، محدود و موقت از تصویب شورای انقلاب گذشت، و اکنون بدستور آیت الله خمینی، قبل از آنکه بمرحله اجرا درآید به بیگانی را که بورژوازی سپرده شد.

متوقف شدن واگذاری زمینهای بزرگ مالکین به دهقانان بهیچوجه غیرمنتظره نبود. از همان زمانی که شرایط اجتماعی ضرورت تجدیدنظر در قانون واگذاری اراضی را "ایزدی" وزیر کشاورزی کابینه بزرگان مطرح ساخته عکس العملها شروع کرد. مثلاً آیت الله العظمی روحانی درباره طرح اصلاحات ارضی مصوب شورای انقلاب، گفت: "اگر بنا به اصلاحات ارضی است یا بدیر طبق دستور اسلام و موازین شرعی باشد... اینگونه اصلاحات ارضی برخلاف اسلام است و اگر در شورای انقلاب هم تصویب شده باشد، حرم است".

(با مداخله ۱۶ اسفند ۵۸) و با آیت الله العظمی قمی اعلام کرد که ما در فقه باب مزارعه داریم و از مسلمات فقه باب مزارعه است و باب مزارعه معنی اش اینست که یکی مالک زمین است خودش اهل زراعت نیست، زمین را میدهد دیگران که زراعت کنند و با آنها قرارداد می بندد... اینها همه اش را ما در رساله هایمان نوشته ایم همه هم نوشته ایم نه یک نفر یا دو نفر...

البته در خصوصیاتش ممکن است اختلاف نظر باشد، اما در اصل که یک مالک زمین با یک زارع قرارداد می بندد هیچکس اشکالی نگرفته و از مسلمات فقه اسلام است.

(کیهان ۲۰ اسفند ۵۸) با گذشت زمان، هر دم موج مخالفت "سران قوم" با واگذاری زمین به دهقانان، اینجا و آنجا، با لامی گرفت. آیات عظام دستغیب، ربانی شیرازی، منتظری و... در موارد مختلف طی اعلامیه ها و فتوای خود لزوم محترم شمردن مالکیت در اسلام را متذکر میشدند. آیت الله منتظری در خطبه های نماز جمعه قم چگونگی واگذاری اراضی را چنین عنوان کرد: "در هر کجا که زمین موات هست یا زمین مصدوره شده هست ولو یک فرسخی ولو دو فرسخی حق ندارند زمینهای کشت مردم را تقسیم کنند... زمین بیابان خدا را بین آنها تقسیم کنند... که بیابانها آباد شوند اینک زمین کشاورزی را بگیریم و بدهیم به آن یکی (جمهوری اسلامی ۲۵ مرداد ۵۹) شاید بتوان گفت در رابطه با مسأله "واگذاری زمین، نامه سرگشاده "جامعه مدرسین حوزه علمیه قم" به نمایندگان مجلس از دو نظر شایسته توجه است، اول آنکه این حوزه در "سازمان روحانیت" از اعتباری ویژه برخوردار است و بنا بر این نظرات ارائه شده از سوی آنرا میتوان مربوط به قسمت مهمی از "سازمان روحانیت" دانست. و دوم اینکه صریحاً "از غیر اسلامی بودن لایحه اصلاحات ارضی سخن گفته و یادآوری نموده که این لایحه "با موازین اسلامی و فتاوی مشهور و مراجع تقلید و مخصوصاً فتاوی صریح مرجع بزرگان امام امت دام ظلّه تطبیق نمی کند و مخالفت دارد".

(کیهان ۵۹/۲/۲) با این وجود، علیرغم این اظهارات صریح و بی پرده "روحانیون عظیم الشان"، دولت همچنان به تناقض گوئی و مبهم گوئی در مورد اجرای لایحه واگذاری زمین ادامه میداد تا زمانی که لازم برای اعلام رسمی توقف طرح فراهم آید. آقای سلامتی وزیر کشاورزی کابینه رجائی در یک مصاحبه مطبوعاتی اعلام کرد "طبیعی است در زمینه اجرای طرح مشکلاتی پیش می آید که البته مشکلات بزرگی نبوده ولی در کنار اینها در اشریک سری سوء تفاهمات در مورد خود طرح و در اطلاع غلطی که به بعضی داده شده مسأله وجود آمده که عده ای نیز آنها را شدت بخشیده و منجر

به موضع گیریهایی شده است. (جمهوری اسلامی اول آبان ۵۹) برآستی چه نوع سوء تفاهماتی ممکنست در بعضی افراد نسبت به طرح واگذاری زمین ایجاد شده باشد؟ بی شک این "سوء تفاهمات" متوجه دهقانان نبوده، چه اگر مشکلاتی از جانب دهقانان برای دولت بوجود آمده، همانا اقدامات "خودسرانه" ناشی از "عدم سوء تفاهم" نسبت به طرح واگذاری زمین است. پس قاعدتاً "می بايست این تلاش وزیر کشاورزی در جهت رفع سوء تفاهمات مالکانی باشد که با اصطلاح "در کارشان اشکال و اشتباهی" رخ داده و همچنین پاسخی برای رفع نگرانی آن دستاورد علمای اعلام که لایحه "واگذاری زمین را با "موازین اسلامی" منطبق نمی یابند.

در عین حال، دولت ترجیح میداد که ضمن توقف عملی طرح واگذاری زمین حتی المقدور از اعلام رسمی توقف آن پرهیز نماید. در این رابطه آقای سلامتی اظهار داشت که "خدمت امام رسیدیم و مسائل و مشکلات را عنوان کردیم، هم مسائل موجود و هم مسائل حادثی که احیاناً در آینده بوجود خواهد آمد"، و اما حضرات آیات منتظری، بهشتی و مشکینی را ما مورد بررسی نمود و نتیجه این بود که طرح با دقت بیشتری ادامه یابد. و بدو احوالی مربوطه گفتیم تا با دقت بیشتری این طرح را تعقیب نمایند تا با مشکلات اجرائی کمتری مواجه شویم (نقل قول از جمهوری اسلامی اول آبان ۵۹) در حقیقت مفهوم "دقت" بیشتر در اجرای طرح، کلاه شرعی برای توقف آن بود تا از این طریق دولت "با مشکلات اجرائی کمتری" مواجه شود.

آیت الله ربانی شیرازی نما یاننده امام و عضو شورای نگهبان طی اطلاعیه ای این مفهوم ظریف "دقت" را چنین عریان ساخت، "امام امت بنیانگذار جمهوری با توجه به موقعیت کنونی و جلوگیری از تضاد و اختلاف دستور ضروری است که بطور موقت مسئله واگذاری زمین متوقف شود".

(انقلاب اسلامی ۵۹/۲/۳) ولیکن، گویا تمام آن اظهارات و فتوای علمای و این گنایه های صاحب منصبان در مورد توقف طرح واگذاری زمین به اندازه کافی روشن نمی کرد که در این حکومت نمیتوان "چشم طمع" نسبت به اراضی زمین داران بزرگ داشت و سر درگمی ها و

صفحه در صفحه ۱۴

رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی
دمکراتیک خلقهای ایران است

بقیه از صفحه ۱۳

"سرگرمیها" را درباره اجرای عدم اجرای طرح همچنان ادامه داشت. مثلاً روزنامه "امت" که معنای واقعی "دقت" را درک نکرده و بیان نمیکند در مقاله ای تحت عنوان "آیا م تلاش گسترده مخالفان تقسیم اراضی را خنثی کرد مینویسد: این خبر نشان از پایان یک مرحله دیگر از تلاشهای مذبوحانه مخالفان تقسیم اراضی میداد... در شرایطی که دهقانان ستم دیده و زحمتکش ما به فرمان امام به وظیفه انقلابی و اسلامی خود زمین را میکارند تا محاصره اقتصادی دشمن را درهم بشکنند، (مخالفت با طرح واگذاری زمین) نه فقط یک اقدام ارتجاعی بلکه ضد انقلابی محسوب میشود.

(امت شماره ۸۰)
واکنش، جنگ فرصتی بود تا "تلاشهای مذبوحانه" "ارتجاعی" و "ضد انقلابی" را تحت عنوان برنامه "کشا و رزی زمان جنگ" آشکار سازد و هرگونه "سوء تفاهمی" درباره طرح، هرگونه تعبیری درباره مفهوم "دقت" بیشتر در اجرای طرح "و هرگونه نگرانی و تشویق مالکان را از بین ببرد. بهشتی در یک مصاحبه رادیویی تلویزیونی با ظرافت خاص دستور توقف واگذاری زمین مالکان را چنین اعلام کرد: "در شرایط کنونی (شرایط جنگ) نظر امام اینست که برای اجرای بندالف و بند ب تلاش کامل شود در مورد اجرای بند ج هم نظرایشان اینست که با توجه به شرایط کنونی ما بیشتر نیروها و یمن را فعلاً متمرکز در بند "الف" و بند "ب" از این طرح بکنیم.

جمهوری اسلامی ۲۴ ذرمه ۵۹)
اینکه چرا زعمای حکومت سعی در موقتی نشان دادن توقف اجرای بند ج از طرح را دارند، بعد از آن خواهیم پرداخت. اما در اینجا به این نکته اشاره کنیم که با حذف بند ج که شامل اراضی با یرودا و مالکین میشود، آنچه که قرار است مورد تقسیم قرار گیرد، در درجه اول اراضی مسوات (و یا بقول آیت الله منتظری "بیابانها") و در درجه دوم و در صورت لزوم اراضی متعلق به حکومت اسلامی است. به این ترتیب عملاً طرح واگذاری اراضی شورای انقلاب با طرح واگذاری اراضی کابینه بازرگان کاملاً یکی میشود. جالب است که اطلاعات تحت عنوان "فتووال" ترا در مزرعه دفن خواهیم کرد" نوشت "وزیر کشا و رزی در دولت موقت فتووالی بنام (دکتر محمد ایزدی) بود. وی در دوران تصدی خود با رها و با رها و صراحتاً اعلام کرد: در اسلام مالکیت حد و حصری ندارد (مقایسه کنید این گفته را با فتاوی جا معه مدرسین حوزه علمیه قم، منتظری و... آیا تفاوتی اصولی وجود دارد؟!)... لایحه ای در مورد احیاء زمینهای مسوات تهیه میکنند و در آن بیشتر ما به وسیله توجیهات اسلامی مالکیت زمینهای

هیات حاکمه و مسئله ارضی

بزرگ را تا شنید کرده و قاطعانه از فتووالها حمایت میکنند.

(اطلاعات ۱۹ آبانماه ۵۹)
ده روز از این نوشته اطلاعات نگذشته بود که آیت الله خمینی دستور توقف واگذاری زمینهای مالکان را صادر کرد. اما آیا اطلاعات نوشت که اکنون هیات حاکمه راه ایزدی را می رود و "بی شرمانه و قاطعانه از فتووالها حمایت میکنند؟"

الف) واگذاری اراضی زمینداران - یکبار دیگر نشان داد که "چپ و راست زدنهای هیات حاکمه (!) در برخورد با مسائل روزمره و آنی که تحت تاثیر فشار ازبائین" و اختلافات درونی انجام گرفته و میگیرد، نمی تواند آن رشته پیوندی را که تک تک عملکردهایش را بهم متصل میکند و مجموعاً ما هیات ارتجاعی آنرا به نمایش میگذارد، برای مدتی مخفی نماید و یا از هم بگسلد. هیات حاکمه که بنا به ما هیات طبقاتی، رسالت خود را در بازسازی سرمایه داری وابسته (توام با فرمایشی) میدانند، نمیتوانند پاسخگوی خواستهای توده های زحمتکش - از جمله دهقانان - باشد. این امر دیگر با یدکا ملاروشن باشد. اما بدلیل توهمات که هنوز باقی است و بدلیل سیاستهای سازشکارانه ای که درباره دولت "انقلابی" و "ضد امپریالیستی" تبلیغ میشود، شناخت دلایل طول و خوردن هیات حاکمه ورشته ای که تک تک عملکردهایش را در مساله ارضی بهم می پیوندند، ضروری می نماید. از این رو به بررسی مختصر اقدامات هیات حاکمه در رابطه با جنبشهای دهقانی - مضمون و ماهیت طرحهای واگذاری زمین به دهقانان - مقایسه عملکردها و اثرات طرحهای ارائه شده و آینه جنبش دهقانی و مساله ارضی، می پردازیم.

۲- جنبش انقلابی صادره زمین اوج می گیرد.

طی دوران جنبش انقلابی سالهای ۵۶ و ۵۷، طبقات و اقشار مختلف مردم با خواستهائی که از غریزه طبقاتی نشانها می گرفت به میدان مبارزه کشیده شدند. لیکن صف بندی طبقاتی توده های مبارز بطور صریح مشخص نبود. اگرچه طی این دوره، تحقق خواستهای طبقاتی توده ها در براندازی رژیم شاهنشاهی متجلی میشد، ولی در پشت این هدف مشترک "انگیزه ها و هدفهای

مختلفی پنهان بود. قیام و بدنبال آن استقرار "ارگان سازش" تدریجاً انگیزه های طبقاتی را از زیر به رو آورده و صف بندی طبقاتی توده ها شروع به شکل گیری و آشکار شدن نمود.

مبارزات دهقانان نیز کم و بیش در همین مسیر جریان داشت، با این تفاوت که زمانی که "شهر" بحرکت در آمد، روستا هنوز خاموش بود. خصلت محافظه کاری دهقانی، محیط محدود پراکندگی، آگاهی نسبی پائین، نبود تشکیلات دهقانی و اثرات موقتی اصلاحات ارضی و... دهقانان را در مجموع دیرتر از شهرنشینان وارد جنبش انقلابی توده ها ساخت. اما بتدریج که جنبش شکل میگرفت و به پیش میرفت دهقانان بیشتری نیز در مبارزات شرکت می جستند. پیوستن دهقانان به جنبش انقلابی بنا به ترکیب طبقاتی روستا و شرایط ویژه هر منطقه، چه از نظر زمانی و چه کیفی، تفاوت داشت. عوامل چندی این تفاوتها را با عث میشد. از جمله وجود درصد قابل توجهی از کارگران کشا و رزی در جریان کشا روستا (مثال گنبد و دشت)، وجود نیمه پرولتاریای روستا که بین شهر و روستا در نوسان بود، وجود مساله ملی توام با مساله ارضی (مثلاً در کردستان) و دوری و نزدیکی روستاها از شهرها. لیکن گسترش و تعمیق جنبش انقلابی و دورنمای موفقیت آمیز آن، تضعیف نیروهای سرکوبگر، فرار بعضی از زمینداران بزرگ و... آنچنان زمینهای را فراهم ساخت که اقشار دهقانی را در بیشتر نقاط به میدان مبارزه کشاند.

خوش نشینان و دهقانان فقیر (کم زمین) آرزوی دیرینه خود را در تصاحب قطعه ای زمین در شرف تحقق میدیدند، و از این رو بطور وسیع و فعالی در مبارزات شرکت می جستند. دهقانان میان حال عمدتاً با انگیزه های فقهی (مثل قطع با زپرداخت بهره و وام بانک) و... به جنبش پیوستند. دهقانان مرفه نیز ضمن داشتن انگیزه های ضد انحصاری که آنها را در تنگنا قرار میداد، بمنظور تشبیهت موقعیت و قدرت و حفظ نفوذ خود در ارگان ده ده و جلوگیری از "دستاندازی" احتمالی دهقانان فقیر و خوش نشینان به زمین "شرعی" و "قانونی" خود با سایرین همراهی کردند. همچنانکه در ابتدا اشاره شد، هدف مشترک سرنگونی رژیم شاهنشاهی، انگیزه ها و هدفهای مختلفی را در پشت خود پنهان نداشت و صف بندی مشخص طبقاتی پس از قیام بهمن ماه شروع به شکل گیری کرد. انگیزه های دهقانان نیز تا آستانه قیام در پشت شعار "مرگ بر شاه" پنهان بود و سپس این انگیزه ها مشخصاً در جنبش دهقانی - عمدتاً بشکل معادله زمین - متبلور شد.

بقیه در صفحه ۱۵

استقلال - کار - مسکن - آزادی

بقیه از صفحه ۱۴

همزمان با روی کار آمدن دولت منتخب امام، خواستههای توده‌ها بصورت روشنتری مطرح گردید: تشکیل شوراها، ملی کردن صنایع و کنترل آن توسط شورای کارخانه و مصادره اراضی. کارگران و کارکنان کارخانه نجات و موسسات مختلف در جهت تشکیل شوراها و بدست گرفتن مدیریت واحدها کوشیدند. تشکیل کانونهای دموکراتیک سیاسی - صنفی جهت حفظ دستاوردهای دموکراتیک قیام و حفظ منافع صنفی شروع شد. در این میان دهقانان نیز با مطالبات مشخص تاریخی خودمانند در اختیار گرفتن اراضی کشاورزی و خواسته‌های نوینی که در اثر جنبش انقلابی برای آنان مطرح شده بود مثل تشکیل شوراها و اتحادیه‌های دهقانی، قدم به پیش‌گذاشتند. لیکن این با ورود رادکان عمومی به قوت وجود داشت که دولت "انقلاب" میتواند با سخکوی نیازها و خواسته‌ها باشد. بهمین جهت توده‌های دهقانی اقدامات خود را نه در جهت مقابله با حاکمیت، بلکه بعنوان "حقی طبیعی" و "قانونی" برای برآوردن مطالبات خود، در کنار او از طریق حاکمیت، می‌پنداشتند. در حالیکه "ارگان سازش" و در درجه اول نماینده عمده وقت آن "دولت موقت انقلابی" - نه میخواست و نه می‌توانست بخواست زمین - کار - مسکن - آزادی توده‌ها ترتیب اثر دهد. رهبران، مردم را به "صبر انقلابی" فرامی‌خواندند و از آنها میخواستند که "همه با هم" دولت را تضعیف نکرده و در تقویت آن بکوشند تا دولت بازرگان پیش از زایل شدن توهم توده‌ها، ابتدا آنچه را که از دستگاه روستاها و کانونهای محفوظ مانده، تثبیت کند و ضمناً "گام بگام" در بساز سازی سیستم ضربه خورده بد پیش‌رفته و در جهت ترمیم خرابیهای ناشی از "سیل" (اشاره به سخنان بازرگان بعد از قیام که "ما باران خواستیم سیل آمد هر چه سریعتر اقدام کند).

بدین ترتیب، در دسترایین مبارزات توأم با توهم نسبت به توانائی دولت، جنبش انقلابی دهقانان شکل میگرفت، از یک سو، جنبش مصادره زمینهای زمینداران بزرگ به شیوه‌ای انقلابی، در بعضی نواحی شروع شده بود (گنبد، کردستان، مناطقی از لرستان و مازنداران و غیره) که در عین اوج گیری، هنوز در همه جا قوام لازم را بدست نیاورده بود و دهقانان مطالبات خود را از دولت می‌طلبیدند. و از سوی دیگر، در بعضی نقاط، دهقانان به مبارزه برای دفاع از زمین در مقابل یورش چماقداران خوانین و فئودالها که ادعای مالکیت زمینها را داشتند، مشغول بودند (آذربایجان غربی، بلوچستان و...) در حالیکه از همان ابتدای استقرار "جمهوری اسلامی" و با

هیأت حاکمه و مسئله ارضی

شدت نیایی این مبارزات در روستا بین مالکین و دهقانان، دولت وظیفه خود دانست که با تمام توان به حمایت از منافع مالکین برخیزد.

(منطقه ترگور، مرگور و...)

اصولاً، وظیفه اساسی ای که دولت بازرگان پیش روی خود میدید، بساز سازی هر چه سریعتر سیستم بود. در رابطه با مساله ارضی و دهقانی نیز تشبیت هر چه ممکن نتایج اصلاحات ارضی دهه چهارم وظایف دولت بشمار میرفت. زیرا: اولاً، اصلاحات ارضی دهه چهارم موافق فئودالی رشد سرمایه داری وابسته را (در حد لزوم) از میان برده و نیروی کارکنده شده از زمین نه تنها نیازانی سرمایه را بر آورده میساخت، بلکه با استقرار ارتش ذخیره کاری انبوه بصورت حاشیه نشینی در شهرها، نیاز قابل پیش بینی سرمایه به کارگران جوابگو بود. مضافاً این که بحران اقتصادی که از اواخر سال ۵۵ شروع شده بود همچنان ادامه داشت و به افزایش بیشتریکاری انجامید. بنا براین، از نقطه نظر اقتصادی، دولت بورژوا - لیبرال بازرگان نیازی به "خلع یددهقانان" - از طریق اصلاحات ارضی - برای کسب نیروی کار آزاد و گسترش بازار، نداشت. ثانیاً، از نقطه نظر سیاسی، دولت منتخب امام که در راهپیمائیهای میلیونی مورد حمایت توده‌ها قرار گرفته بود و جنبش انقلابی توده‌ها را تمام شده می‌دانست، انجام رفرمهای از قبیل اصلاحات ارضی را برای کسب پایه‌های توده‌ای و با ایجاد پایگاهی در میان اقشار زدهقانان و یا تشبیت حاکمیت خود، ضروری نمی‌دانست.

با اینحال، بدلیل: ۱- حمل مساله ارضی (در دهه چهارم) که بر اساس جایگاه ایران در تقسیم بین المللی کارونیا سرمایه‌های نحصاری بین المللی صورت گرفته بود، و ۲- کامل شدن پروسه خلع یددهقانی و عدم استقرار مناسبات تولید سرمایه داری در تمام روستاها و بالاخره تحت فشار شرایط انقلابی حاکم بر روستاها، مساله ارضی - دهقانی باقی مانده و دولت با درگیریهای مالکان و دهقانان مواجه بود. بخشی مهمی از

مالکان بدلیل احساس "عدم امنیت، شیات و نظم" در جامعه (بویژه در روستا) و وحشت از این که دولت بورژوا - لیبرال بازرگان برای اعاده "نظم بورژواشی مجبور به مصالحه‌های در مورد زمین شود، و بخش دیگر بدلیل دست اندازیهایی خود برای کسب مجدد مالکیت بر زمینهای دهقانی از یک طرف، و از طرف دیگر، حرکتیهای روبه رشد دهقانان در جهت حل انقلابی - دهقانی مساله ارضی، هیأت حاکمه را در تنگنا قرار داده و

وادار به موضع گیری می‌نمود. انتخاب آیزدی (لازم به تذکر است که آقای آیزدی سازمان ده و موسس شورای کشاورزان تهران و "شورای کشاورزان فارس" که در حقیقت باشگاه زمینداران بزرگ است می‌باشند) بعنوان وزیر کشاورزی سوء تفاهاتی را که ممکن بود در مالکان ارضی نسبت به نیات حسنه دولت بوجود آید، بر طرف ساخت، و فقط دستاوردهای "انقلاب سفید" را به آنان بشارت داد. حاکمیت شعار "مالکیت مقدس است" را از بلندگوهای خود فریاد می‌زد. آقای آیزدی برای اینکه خیال مالکان را راحت کند و هرچشمی هم از دهقانان "خودسر" و "نظم شکن" گرفته باشد، گفت: "بر اساس اخبار و گزارشهایی که از نقاط مختلف کشور میرسد، مشاهده میشود که هنوز در پاره‌ای موارد اشخاص به زمینهای کشاورزی متعلق به دیگران تجاوز کرده و مانع کار کشاورزی میشوند. در حالیکه مکرراً از طرف رهبران انقلاب امام خمینی و آیات عظام و مقامات دولتی این قبیل اقدامات را برخلاف شرع و انقلاب ایران اعلام داشتند... وزارت کشاورزی و عمران روستائی با ردیگر تا کید میکند که از این اقدام برخلاف مصالح باید خودداری کرد."

(کیهان ۱۷ سپتامبر ۵۷)
امیران نظام "ملعون" نیز در باره حفظ حقوق مالکان بر زمین اظهار داشت: "اگر زمینها تقسیم نشده باقی مانده است، دولت حتماً اقدامات لازم را مینماید."

(پیغام امروزه فروردین ۵۸)
چه قرابتی است بین گفتار دیدنیروز امیران نظام و گفتار امروز هیأت حاکمه در باره تقسیم "بیا بانها" بین آنها که زمین ندارند!

حمایت بیدریغ رهبری از "دولت موقت انقلابی" و مهمتر از آن توهم توده‌ها نسبت به رهبری و از آن طریق نسبت به کابینه بازرگان، موقعیتی را بوجود آورده بود که دولت امید داشت با وعده و وعید، تهدید و ناپایداری سرکوب بتواند جنبش دهقانی را مهار کند. هر جا که وعده و وعید در باره افزایش رفاه "مستضعفین" از جمله دهقانان کاربرد داشت، "دولت انقلاب" یا به سرکوب مستقیم با صلاح "ضد انقلاب" توسل می‌جست (گنبد،

بقیه در صفحه ۱۲

شماره ۱ صفحه ۱

حکومت خودمختار کردستان و آذربایجان اداره می‌شود.

دولت مرکزی کرجه پس از یکسلسله مذاکرات حقوق خلق کرد را ظاهراً برسمت ساخت و بالاخره آتش بس برقرار شد، اما در واقع امر به جمع‌آوری نوا معمول تدوین تصدیق مناسبت برای حمله به کردستان بود. بنابراین پس از تدارک لازم و سروسامان دادن به ارتش ضد خلقی و سرکوب کردن در آذربایجان ۱۳۲۵ سپهانه تا مسین آزادی انتخابات عازم می‌باشد.

خلق کرده در آن شرایط بدلائل متعدد آماج دگی لازم برای رودر رویی همه جانبه با ارتش سرکوب و ضد خلقی رژیم حاکم را نداشت با وضعیت دشواری روبرو بود قبل از ورود ارتش، کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان با مسئله رفتن یا ماندن در کردستان روبرو بود. قاضی محمد عقیق سینی رای به معنسی کربخس می‌گرفت و می‌گفت "تمشود زن وجه مردم را در مقابل عشا بروارتس بی‌بنا کداشت". پس از استقرار ارتش در کردستان قاضی محمد و سایر رهبران خلق کرد با زداشت شدند. قاضی محمد حاضر شد علیه مناع خلق کرد کوچکترین سارشی با رژیم شاه عمل آورد. از همین رو او و سایر رهبران در ۱۵ فروردین ۱۳۲۶ بدست جلادان شاه در مها با اعدام شدند.

ماندن رهبران کرد در ایران و تسلیم

گرمی باد خاطره‌سی و پنجمین سالگرد اعلام خودمختاری در کردستان

شدن تا مرز شهادت تا شیرسیا مهمی درست مبارزه و تداوم جنبش خلق کرد بر جای گذاشت، امری که در جنبش آذربایجان یک کمبود بزرگ بحساب می‌آید. ریشه دار بودن جنبش خلق کرد که ریشه درستم ملی و طبقاتی دارد، سنت‌های دیرینه مبارزاتی و مبارزه جوشی رهبران آن، موجب گشت که رژیم شاه نتواند این جنبش را کاکا ملاسرکوب کند. از اینرو جنبش خلق کرد طی ۲۵ سال گذشته همواره با افت و خیزهایی مرتباً تداوم داشته است.

در سالهای ۴۶ - ۴۷ جنبش مقاومت خلق کرد واجی تازه یافت و اینبار آتش جنبش مسلحانه برهبری سلیمان معینی، شریف زاده و مللا واره در کوه‌های کردستان شعله ور شد و به نبردی خونین با رژیم شاه پرداخت.

خلق کرده همگام با خلقهای سراسر ایران در مبارزه علیه رژیم شاه در قیام شرکت کرد و سهم ارزنده‌ای در این مبارزه ایفا نمود.

پس از قیام بهمن ماه و سرنگونی رژیم شاه، خلق کرده نزدیک به نیم قرن با حکومت پهلوی مبارزه کرده بود، انتظار داشت که به حقوق برحق و عادلانه خویش دست یابد و در این راه با فشاری کرد. خلق کرد تحت این شرایط توانست با اقدام مستقل، مستقیم و انقلابی خویش پاره‌ای از خواسته‌های دمکراتیک خویش را بجزگ آورد. اما هنوز اسفالت خیا با نه‌های ایران از خون شهدای ۱۷ شهریور، ۱۳ آبان، ۲۱ و ۲۲ بهمن گلگون بود که دولت جمهوری اسلامی خلق قهرمان کرد را با ردیگر در سنج به خاک و خون کشاند. زیرا ضدا انقلاب حاکم بنا بر ما هیتش در صدد پیمانال کردن و محو و نابود کردن دستاوردهای انقلابی توده‌ها بود.

اکنون ارتش جمهوری اسلامی که بدست همان فرماندهان مزدور ارتش شاه اداره میشود و سپاه پاسدارانی که ماهیت ضد خلقی خود را در تمام اقدامات ضد مردمی و سرکوبگرانه خود نشان داده است و جاشهائی که تا دیروز در خدمت رژیم شاه بودند و اکنون تحت عنوان پیشمرگان مسلمان کرد و با دریافت حقوق و پاداشهای گیلان به مزدوری گرفته شده اند و مرتجعین محلی، همه دست دزد دست هم مدت نزدیک بدو سال است که خلق کرد را کشتار می‌کنند. اما علیرغم تمام این فشارها و سرکوبها، جنبش مقاومت خلق کرد

بقیه در صفحه ۱۸

با کمکهای مالی خود سازمان رایاری رسانید!

ردیف	نام	مبلغ	ردیف	نام	مبلغ
۱	رفقای لنگرود	۲۰۰	۱۱	رفقای تبریز	۱۲۱۱
۲	رفقای کریم	۱۰۰۰	۱۲	رفقای ارومیه	۳۲۲۰
۳	رفقای بابلک	۱۰۰۰	۱۳	رفقای سنندج	۲۰۳
۴	رفقای علی	۳۰۰	۱۴	رفقای اصفهان	۸۰۱
۵	رفقای دکه زار	۱۶۰۰	۱۵	رفقای خراسان	۱۰۰۰
۶	رفقای آذربایجان	۱۱۰۶	۱۶	رفقای ارس و علمدار	۱۵۰۰۰
۷	رفقای آ	۱۱۰۶	۱۷	شکین شهر	۱۱۰۰۰
۸	رفقای س	۱۶۰۰	۱۸	شکین شهر	۱۰۰۰
۹	رفقای الف	۵۰۰۰	۱۹	شکین شهر	۲۰۳۳
۱۰	رفقای م	۱۱۰۲	۲۰	شکین شهر	۱۰۰۰
۱۱	رفقای ن	۳۲۰۲	۲۱	شکین شهر	۱۰۰۰
۱۲	رفقای ز	۲۰۳۹	۲۲	شکین شهر	۱۰۰۰
۱۳	رفقای ر	۱۰۰۰	۲۳	شکین شهر	۱۰۰۰
۱۴	رفقای و	۱۵۰۰	۲۴	شکین شهر	۱۰۰۰
۱۵	رفقای ه	۱۱۰۲	۲۵	شکین شهر	۱۰۰۰
۱۶	رفقای ط	۲۲۰۲	۲۶	شکین شهر	۱۰۰۰
۱۷	رفقای ق	۲۰۳۹	۲۷	شکین شهر	۱۰۰۰
۱۸	رفقای ک	۱۰۰۰	۲۸	شکین شهر	۱۰۰۰
۱۹	رفقای خ	۱۵۰۰	۲۹	شکین شهر	۱۰۰۰
۲۰	رفقای گ	۱۱۰۲	۳۰	شکین شهر	۱۰۰۰
۲۱	رفقای چ	۲۰۳۹	۳۱	شکین شهر	۱۰۰۰
۲۲	رفقای پ	۱۰۰۰	۳۲	شکین شهر	۱۰۰۰
۲۳	رفقای ت	۱۵۰۰	۳۳	شکین شهر	۱۰۰۰
۲۴	رفقای ث	۱۱۰۲	۳۴	شکین شهر	۱۰۰۰
۲۵	رفقای د	۲۰۳۹	۳۵	شکین شهر	۱۰۰۰
۲۶	رفقای ذ	۱۰۰۰	۳۶	شکین شهر	۱۰۰۰
۲۷	رفقای ر	۱۵۰۰	۳۷	شکین شهر	۱۰۰۰
۲۸	رفقای ز	۱۱۰۲	۳۸	شکین شهر	۱۰۰۰
۲۹	رفقای س	۲۰۳۹	۳۹	شکین شهر	۱۰۰۰
۳۰	رفقای ه	۱۰۰۰	۴۰	شکین شهر	۱۰۰۰
۳۱	رفقای ط	۱۵۰۰	۴۱	شکین شهر	۱۰۰۰
۳۲	رفقای ق	۱۱۰۲	۴۲	شکین شهر	۱۰۰۰
۳۳	رفقای ک	۲۰۳۹	۴۳	شکین شهر	۱۰۰۰
۳۴	رفقای خ	۱۰۰۰	۴۴	شکین شهر	۱۰۰۰
۳۵	رفقای گ	۱۵۰۰	۴۵	شکین شهر	۱۰۰۰
۳۶	رفقای چ	۱۱۰۲	۴۶	شکین شهر	۱۰۰۰
۳۷	رفقای پ	۲۰۳۹	۴۷	شکین شهر	۱۰۰۰
۳۸	رفقای ت	۱۰۰۰	۴۸	شکین شهر	۱۰۰۰
۳۹	رفقای ث	۱۵۰۰	۴۹	شکین شهر	۱۰۰۰
۴۰	رفقای د	۱۱۰۲	۵۰	شکین شهر	۱۰۰۰
۴۱	رفقای ذ	۲۰۳۹	۵۱	شکین شهر	۱۰۰۰
۴۲	رفقای ر	۱۰۰۰	۵۲	شکین شهر	۱۰۰۰
۴۳	رفقای ز	۱۵۰۰	۵۳	شکین شهر	۱۰۰۰
۴۴	رفقای س	۱۱۰۲	۵۴	شکین شهر	۱۰۰۰
۴۵	رفقای ه	۲۰۳۹	۵۵	شکین شهر	۱۰۰۰
۴۶	رفقای ط	۱۰۰۰	۵۶	شکین شهر	۱۰۰۰
۴۷	رفقای ق	۱۵۰۰	۵۷	شکین شهر	۱۰۰۰
۴۸	رفقای ک	۱۱۰۲	۵۸	شکین شهر	۱۰۰۰
۴۹	رفقای خ	۲۰۳۹	۵۹	شکین شهر	۱۰۰۰
۵۰	رفقای گ	۱۰۰۰	۶۰	شکین شهر	۱۰۰۰
۵۱	رفقای چ	۱۵۰۰	۶۱	شکین شهر	۱۰۰۰
۵۲	رفقای پ	۱۱۰۲	۶۲	شکین شهر	۱۰۰۰
۵۳	رفقای ت	۲۰۳۹	۶۳	شکین شهر	۱۰۰۰
۵۴	رفقای ث	۱۰۰۰	۶۴	شکین شهر	۱۰۰۰
۵۵	رفقای د	۱۵۰۰	۶۵	شکین شهر	۱۰۰۰
۵۶	رفقای ذ	۱۱۰۲	۶۶	شکین شهر	۱۰۰۰
۵۷	رفقای ر	۲۰۳۹	۶۷	شکین شهر	۱۰۰۰
۵۸	رفقای ز	۱۰۰۰	۶۸	شکین شهر	۱۰۰۰
۵۹	رفقای س	۱۵۰۰	۶۹	شکین شهر	۱۰۰۰
۶۰	رفقای ه	۱۱۰۲	۷۰	شکین شهر	۱۰۰۰
۶۱	رفقای ط	۲۰۳۹	۷۱	شکین شهر	۱۰۰۰
۶۲	رفقای ق	۱۰۰۰	۷۲	شکین شهر	۱۰۰۰
۶۳	رفقای ک	۱۵۰۰	۷۳	شکین شهر	۱۰۰۰
۶۴	رفقای خ	۱۱۰۲	۷۴	شکین شهر	۱۰۰۰
۶۵	رفقای گ	۲۰۳۹	۷۵	شکین شهر	۱۰۰۰
۶۶	رفقای چ	۱۰۰۰	۷۶	شکین شهر	۱۰۰۰
۶۷	رفقای پ	۱۵۰۰	۷۷	شکین شهر	۱۰۰۰
۶۸	رفقای ت	۱۱۰۲	۷۸	شکین شهر	۱۰۰۰
۶۹	رفقای ث	۲۰۳۹	۷۹	شکین شهر	۱۰۰۰
۷۰	رفقای د	۱۰۰۰	۸۰	شکین شهر	۱۰۰۰
۷۱	رفقای ذ	۱۵۰۰	۸۱	شکین شهر	۱۰۰۰
۷۲	رفقای ر	۱۱۰۲	۸۲	شکین شهر	۱۰۰۰
۷۳	رفقای ز	۲۰۳۹	۸۳	شکین شهر	۱۰۰۰
۷۴	رفقای س	۱۰۰۰	۸۴	شکین شهر	۱۰۰۰
۷۵	رفقای ه	۱۵۰۰	۸۵	شکین شهر	۱۰۰۰
۷۶	رفقای ط	۱۱۰۲	۸۶	شکین شهر	۱۰۰۰
۷۷	رفقای ق	۲۰۳۹	۸۷	شکین شهر	۱۰۰۰
۷۸	رفقای ک	۱۰۰۰	۸۸	شکین شهر	۱۰۰۰
۷۹	رفقای خ	۱۵۰۰	۸۹	شکین شهر	۱۰۰۰
۸۰	رفقای گ	۱۱۰۲	۹۰	شکین شهر	۱۰۰۰
۸۱	رفقای چ	۲۰۳۹	۹۱	شکین شهر	۱۰۰۰
۸۲	رفقای پ	۱۰۰۰	۹۲	شکین شهر	۱۰۰۰
۸۳	رفقای ت	۱۵۰۰	۹۳	شکین شهر	۱۰۰۰
۸۴	رفقای ث	۱۱۰۲	۹۴	شکین شهر	۱۰۰۰
۸۵	رفقای د	۲۰۳۹	۹۵	شکین شهر	۱۰۰۰
۸۶	رفقای ذ	۱۰۰۰	۹۶	شکین شهر	۱۰۰۰
۸۷	رفقای ر	۱۵۰۰	۹۷	شکین شهر	۱۰۰۰
۸۸	رفقای ز	۱۱۰۲	۹۸	شکین شهر	۱۰۰۰
۸۹	رفقای س	۲۰۳۹	۹۹	شکین شهر	۱۰۰۰
۹۰	رفقای ه	۱۰۰۰	۱۰۰	شکین شهر	۱۰۰۰

سرکوبگران خلق کرد، دشمن همه خلقهای ایران هستند.



نگرشی کوتاه بر مراسم بزرگداشت سالگرد بازگشائی دانشگاه

۲۳ دی ماه ۱۳۵۷ دانشگاه، این سنگر استوار آزادی به نیروی خلق گشوده ندوخته رژیم شاه جلاد این مزدور امپریالیسم که بشکلی مذبح جانگس کوشیده بود تا شاید بتواند با بستن دانشگاه این کانون آگاهی و مبارزه جلوی رشد مبارزات توده ها و پیوند دانشجویان مبارز با کارگران و زحمتکشان را سد نماید در هم شکست.

اما... دیری نیاید که رژیم جمهوری اسلامی نیز ترسان از مبارزات او جگر پاره خلق و با وقوف بر نقش بسزای دانشگاه در جهت دادن به این مبارزات به بستن دانشگاهها میبادرت کرد و چنین بود که در ۲۳ دی ماه امسال دانشگاه بسته بود.

در رابطه با بزرگداشت سالگرد ۲۳ دی ماه لازم دیدیم به بررسی انتقادی این حرکت بپردازیم و در عین حال بکارگیری دستاوردهای این حرکت به زدودن پیرایه های انحرافی آن توفیق یابیم. در این رابطه به بررسی حرکت هر یک از نیروها می پردازیم.

۱- حاکمیت: در ابتدای امر برای این حرکت تا از کناره روز ۲۳ دی ماه به آرامی و سکوت هر چه تمامتر بگذرد تا مگر خاطره بازگشائی دانشگاه در اذهان توده ها زنده نگردد و با بیشتر می تمام دانشگاه این سنگر آزادی را صریحاً "لانس" مزدوران و پالیگام آمریکا و... نامید. اما حرکت نیروهای انقلابی در جهت بزرگداشت این روز خواب خوش رژیم را برهم زد و با ردیگر سیاست سرکوبگرانه خود را بکار گرفت. در این رابطه اعلام بکارگیری "قوانین زمان جنگ" در مورد دستگیرشدگان "بخوبی بیانگر میزان وحشت رژیم حاکم از توده ها است در این مورد سیاست جناح های مختلف حاکمیت قابل بررسی است.

الف - حزب جمهوری اسلامی: بر طبق روال همیشگی خود سیاست سرکوب عربیان را تا و با تحمیل در پیش گرفت حزب که اینبار موفق شده بود توده ها را با زیجه دست خود قرار دهد دسته های حزب الهی، متشکل از افراد بسیج و پاسداران (البته در لباسهای شخصی) را به میدان آورد که صد البته توسط گشتی های پاسدار و کمیته های آنها نیز حمایت می شدند.

ب- لیبرالها: لیبرالها که از هفته های اول جنگ بر سر کسب قدرت بیشتر و مقابله با حزب "بازگشائی دانشگاهها" را از دیدگاه ارتجاعی خود علم کرده بودند با نزدیک شدن روز ۲۳ دی در صلاح خود دیدند تا مدتی را با سکوت برگزار نمایند و روز ۲۳ دی

رسم حرکت نیروهای انقلابی را محکوم کردند و آنرا توطئه خواندند. و با ردیگر این مسئله که تضاد و جناح حاکمیت بر سر کسب قدرت بیشتر است و برای مقابله با توده ها و سرکوب خلق و وحدت کلمه و عمل دارند بوضوح نمایش گذارده شد.

۲- اپورتونیستها: کمیته مرکزی و حزب توده این چاکران بورژوازی و استانیوسان حاکمیت اینبار نتوانستند بخوبی نقش خود را ایفاء نمایند. کمیته مرکزی که در حصر بسته بودن دانشگاهها راه نفوذ امپریالیسم میداندست حرکت در جهت بازگشائی را نیز بسودا امپریالیسم ارزیابی کرد و با برگماردن دانش آموزان هوادار نا آگاه خود بر چهار راهها و محکوم نمودن راه پیمائشی، وفاداری خود را نسبت به حاکمیت به نمایش گذارد. سپس با کمک برادران توده ای! در مقابل دانشگاه کاغذ هائی با مضمون "توطئه" عوامل صدام و آمریکا را افشاء کنیم می چرخاندند و بدینوسیله میزان خیانت خود را به خلق آشکارا می کردند و در نهایت نیز عده ای از آنان جهت پیوند هر چه عمیقتر با توده ها! به صفوف بسیج پیوسته بودند و برخی موارد شعارها را نیز سازمان میدادند.

شوخ جالب تاریخ اینست که خوشرقمی های اپورتونیستها در عوض اینکه در دل جناح "صدا امپریالیست حاکمیت" که بیشتر مورد نظر آنان است کارگزار افتد جا در دل لیبرالها باز کرده است فقط کافیت بر خورد و جناح به حرکات مذبح جانگس آنان توجه کنیم. حزب در روزنامه جمهوری اسلامی ۲۴ دی ماه می نویسد: "دیروز چریکهای فدائی شاخه اکثریت - جناح راست طی اطلاعیه ای اعلام کرده بودند که راه پیمائشی... را تحریم کرده است. مردم مسلمان و انقلابی هر جا که میرسیدند و با پلاکارد این سازمان مواجه می شدند آنرا پاره می کردند و می گفتند این دروغ محض است و اینها نیز مزدوران بر قدرتها هستند. همین عکس العمل را مردم با "توده ایها" نیز داشتند.

حزب سعی می کند که بیش از اندازه به اپورتونیستها پروبال ندهد. اما در عوض انقلاب اسلامی اعلام می کند: "دانشجویان پیشگام هوادار چریکهای فدائی اکثریت و دانشجویان دمکرات با صدور اعلامیه های جداگانه ای این عمل را محکوم ساخته بودند" مساله دیگر اینکه اپورتونیستها

همواره فریاد می زنند "نایدیالیزمها هم صدا شد". آنها به این وسیله هرگونه مبارزه دمکراتیک، هرگونه مبارزه در جهت کسب آزادیها و حقوق دمکراتیک را به بیانه "همصدائی با لیبرالها" می گویند و نفی می کنند اما اینبار در عمل کار روشن گشت که تنها راه مبارزه با آزادیخواهی دروغین لیبرالها بیشتر هر چه گسترده تر مبارزات دمکراتیک است زیرا فقط در اینجاست که در مقابل آثرنا تبیوانقلابی، شعارهای ضد انقلابی لیبرالها افشا میگردد. در عین حال باید بدست حقیقتا چه کسی الت دست رژیم، حزب و لیبرالها شده است؟

۳- نیروهای انقلابی: در عین حال که برخورد دقیق و موثکافانه به مواضع هر یک از نیروهای انقلابی را باید به تحلیل دقیق و بررسی بیشتر موقوف کرد اما در اینجا ذکر نکات زیر لازم بنظر میرسد.

الف- مجاهدین خلق با اتخاذ سیاستی غیر اصولی نسبت به مساله اتحاد عمل نیروهای انقلابی، عملاً این حرکت را تحریم کردند. تزلزل حاکمیت اتحادیه انجمنهای دانشجویان مسلمان "آنان را به اتخاذ سیاستی راسترانه کشید. این دوستان در فاصله کوتاهی از زمانی که از "سیاسی حرکتی و راستروی" سایر نیروها انتقاد می کردند، نه تنها تحریم حرکت ۲۳ دی، بلکه به محکوم کردن آن کشیده شدند و خود نیز عملاً به گونه حرکتی انجام ندادند. این شکل از عمل که به ریشه در برخورد غلط این دوستان با مسئله اتحاد عمل و همچنین توهم "آنان نسبت به جناحی از حاکمیت دارد، عملاً در کناره رودر خدمت لیبرالها قرار گرفت. مضمون عمده اعلامیه اتحادیه انجمنهای...

را می توان در این جملات خلاصه کرد: چنین حرکتی دستاویز ارتجاع کشته و باعث پیورش اوبه "همه هزار دیه های انقلابی" می شود و در نتیجه فتنه های سیاسی تازه ای که موجود است از بین خواهد رفت و آزادیهای موجود با اعمال خواهد شد... با بدیهه این دوستان بهر داد که بورژوازی حاکم هر لحظه قادر باشد به شدیدترین سرکوب ممکن می پردازد در نتیجه با چنین برخوردی که تعرض را موجب از بین رفتن محیط دمکراتیک (!) می داند و معتقد است که نباید تعرض کرد عملاً را به اتخاذ سیاستهای راست روانه خواهد گشتند که در شرایط او جگیری مبارزات توده ها و در شرایطی که خلق هر چه بیشتر

بقیه در صفحه ۱۸

مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدانیست

نگرشی کوتاه بر ...

بقیه از صفحه ۱۷

در مقابل حاکمیت به تعرض میپردازد ضربات جبران ناپذیری را به جنبش توده ها وارد خواهد آورد و توده ها را به جانب لیبیرالها، این مدعیان دروغین آزادی سوق خواهد داد.

ب- حرکت انجام شده در رابطه با بزرگداشت ۲۳ دی یا تمام کمیوکاستی ها پیش طلیعه ای نوین روزنه ای روشن در جهت شکل گیری اتحاد عمل بود. با اعتقاد بر این امر که فقط با برخوردی انتقادی به این مسئله میتوان بیشترین دستاورد را در جهت گامهای بعدی کسب نمود از اینرو به بررسی نکاتی چند در اینمورد می پردازیم.

۱- مهمترین مسأله ای که در سراسر حرکت بچشم می خورد، عدم وجود درک صحیح در مورد فعالیت و حرکت دمکراتیک می باشد.

فعالیت دمکراتیک یعنی بسیج و سازماندهی توده های هر چه وسیعتر از خلق (و به تنهایی طبقه کارگر و نمایندگان سیاسی آنها) حول یک شعار واحد یا خواست مشترک. مثلاً هرگاه ما خواستار بازگشائی دانشگاهها یا محتسبهای انقلابی هستیم مسلماً آن گروه از استادان و دانشجویان و کارکنان دانشگاه نیز که منافع خود را با این خواست منطبق می بینند بر گرد این شعار جمع می شوند. برای آنکه کسی خواستار بازگشائی دانشگاه با محتسبهای انقلابی باشد حتماً لازم نیست کمونیست و یا هوادار یک گروه سیاسی خاص باشد. در نتیجه روشن است که هرگاه فعالیت دمکراتیک را به گروههای سیاسی محدود و نامشخص عملیاتی از توده ها را از دست میدهم و به سکتاریسم کشیده خواهیم شد. با این شکل از برخورد تنها می افشاییم سیاستی به حالت انفعال در می آیند. در اینجا است که سیاست چپ روانه (محدود کردن فعالیت دمکراتیک به گروههای کمونیستی توسط طرح اسم یا شعارهای کمونیستی) تبلور خود را در راستروی می یابد. در عمل شاهد بودیم که شعارها و سخنران چپ رفقا در هنگام برنا مه ریزی در عمل و در مواجعه با توده ها به وحشت از ابعاد وسیع حرکت "ولفوم مراسم ازسوی مراسم ازسوی رفقای سایر گروهها گشت. شکل صحیح عمل این بود که برنا مه ریزی، بسیج و سازماندهی کلیه نیروها را کمیته منتخب و یا مورد تأیید سازمانهای سیاسی مختلف به عهده می گرفت و یا اعلام مضمون کار و اهداف خود از همه نیروهای انقلابی دعوت میکرد که در آن شرکت نمایند و گروهها و سازمانهای مختلف از مراسم پشتیبانی بعمل می آوردند. تنها بدین وسیله و به این شکل ممکن بود

حداکثر نیروی ممکن را حول شعار بازگشائی انقلابی دانشگاه متشکل نمود. فقط به این صورت بود که نیروهای دمکرات، بینابین و متزلزل نیز بدون وا همه در جهت فعالیت دمکراتیک حرکت میکردند سیاست و نظر سازمان ما در مورد این حرکت و تمامی حرکات مشابه چنین بوده و هست اما متأسفانه رفقای پیشگام در عین عدم تسلط بر این موضوع در مورد پیشبرد این سیاست که میبایست سیاست محوری ما در این عمل قرار گیرد، برخوردی غیرفعال داشته اند. این شکل از برخورد رفقا باعث غالب گشتن دیدان انحرافی رفقای سایر گروهها، که به انجام حرکت با نام سازمانهای سیاسی اصرار می ورزیدند، بر کل حرکت و در نتیجه خارج شدن حرکت از چهار چوب دمکراتیک خود گشت. این مسئله بر تمامی وجوه حرکت سایه افکند. شعارها، پلاکاردها، اعلامیه ها و ... تمامی از آن متاثر گشتند.

۲- عدم درک صحیح از اتحاد عمل، برخورد رفیقانه و ...

متأسفانه بعثت نبود تجربه مشخص در رابطه با اتحاد عمل هنوز حتی اصول اولیه آن نیز روشن نیست در این رابطه در حرکت برخورد های نا صحیح و نارفقانه، به انحراف کشانیدن مباحث، پرده پوشی و برخورد های نامادقانه و حتی توسل به اعمالی مقابله مخالف با مواضع اتخاذ شده در جلسات و یا بدون مطرح کردن و تصمیم گیری مجدد دیده میشود. در عین حال که این گرایشات ریشه در گرایش هر گروه و سازمان ما بر خورد صحیح قاطع و اصولی سایر رفقا نیز میتواند در مهار کردن و تصحیح آن کار ساز باشد.

* کلاً در رابطه با این حرکت به رفقای پیشگام نیز انتقادی وارد است رفقا بعثت عدم تسلط کامل بر مواضع سازمان در مورد مسئله دمکراتیک نتوانستند شکل درستی این مواضع را به پیش برند. رفقا عمل نتوانستند سیاست محوری ما را در رابطه با شکل و محتوای برگزاری مراسم بصورت سیاسی دمکراتیک - آنگونه که طرح شد مطرح نمایند و به پیش برند. از طرفی بعثت نبود تجربه مشخص و در عین حال دید ذهنی از اتحاد عمل رفقا در مواردی به برخورد لیبیرالی دچار گشتند. بعنوان مثال میتوان از میبدان دادن بیش از حد به بحث های انحرافی نام برد (گرچه در نهایت نیز قاطعیت همین رفقا جلوی مسئله را گرفت) همچنین این برخورد خوشبینانه رفقا نسبت به اتحاد عمل با سایر گروهها بود که منجر به عدم سازماندهی مستقل و کافی نیروها داشت. بصورتی که هنگامی که سایر گروهها حرکت را فکور کردند رفقا قادر به برگزاری مستقل حرکت نبودند

گرامی باد ...

بقیه از صفحه ۱۶

مصمانه ایستادگی می کند و بیروز مندان به پیش می رود. مبارزات خلق کرده تنها در اعتلا سطح آگاهی و روحیه مبارزاتی آن و حفظ دستاورد های دمکراتیک در کردستان نقش بس با اهمیتی داشته است بلکه حرکت و تداوم این جنبش در حفظ دستاورد های سراسری توده های انقلابی ایران نقش بسیار ارزنده ای ایفا کرده است. خلق کرد درست هنگامی که ضدا انقلاب حاکم می کشید با سرکوب جنبش مقاومت خلق کرد، تکلی بردست آورد و ده های انقلابی توده ها خط بطلان بکشد، بوزه ضدا انقلاب حاکم را خاک مالید.

اکنون توده های زحمتکش سراسر ایران هر روز بیش از پیش به شایدها و دروغهای آزادی های هیئت حاکمه علیه جنبش مقاومت خلق کرد پی می برند و نقش بسیار عظیم ایستادگی و مقاومت خلق کرد را در مقابل هیئت حاکمه بهتر درک می کنند. آنها بیش از پیش بدین امر واقف می شوند که با پید از مبارزات بحق خلق کرد پیشیانی کرد و این مبارزه را بخشی از مبارزه دمکراتیک و ضدا مپریالیستی خود بدانند خلق کرد نیز با توجه به تجارب عظیم مبارزاتی خود بخوبی آگاه است که پیروزی نهائی آن تنها در همستگی و پیوستگی با سایر خلقهای ایران تا مین خواهد شد.

اینک که ما در آستانه یکی از درخشانترین روزهای تاریخ مبارزات خلق کرده هستیم با ردیگر همبستگی خود را با زحمتکشان دلیر خلق کرد که قهرمانان برای تا مین حقوق دمکراتیک خود نبرد می کنند، اعلام می کنیم و بیگانه در راه تحقق خواستهای برحق آنها مبارزه خواهیم کرد.

و همچنین هنگامی که رفقای راه کارگر حتی برای تظاهرات موضعی حاضر نشدند رفقا نتوانستند بد رستی حرکت را سازمان دهند و ...

مسئله دیگر اینکه بعثت ارتباط تنگاتنگ پیشگام با سازمان، مشخص است که مسئولیت انتقادات وارده به رفقا به دوش سازمان و عدم برخورد فعال رفقای سازمان با این مسأله قرار میگیرد.

در نهایت باید یاد را دیگر گرفت که حرکت انجام شده با وجود تمام مسایلی انتقادات وارده حرکتی مثبت و گامی به پیش در جهت نزدیکی گروهها و سازمانهای انقلابی و بدست آوردن درکی عمیق تر و صحیح تر از مسأله ای اتحاد عمل است بخصوص حضور فعال و پر شور تمام رفقا، هواداران و همه نیروهای مبارز روز مننده در صحنه تصحیح بسیاری از عیبها و انتقادات و پر شدن جای بسیاری از نواقص تا تیر بسزائی خواهد هدنها دکه قابل ستایش و تقدیر بسیار است.

سود ویژه که قسمتی از دستمزدها کارگران است پرداخت باید کرده



از میان گزارشها مردم چه میگویند، مردم چه میخواهند؟



بنی صدر و راجائی چی میفهمنداونا که اون با لاجب و راست دستور ما درمیکنندچی میفهمیدند در راهم چه های دیگرم از کرسکی میبمیرد هجی فرق نکرده انقلاب را ما کردیم ما این با دمجان دور قاب نشینیا همه جبر را زدست ما قا بدید و بردند "همان فردیا لتوئی یا عصا نیت به طرف خاتم برکت و کفایت" این تا یعات را ستون پنجم دشمن و کمونیستها یخن می کنند سما چرا گوش می کنند خاتم! "همه برگسندند" مرد نگاه کردند در آنده تا کسی دستش را زد روفرمان و گفت "مصوتوگر هر چی حرف حق بزنی میکن کمونیستی، اگر کمونیستها از گرانی حرف میزند پس معلومه کمونیستها چیز ای بدن میکنند و حرفهای حسابی میرن رسیده بودیم نواب من بیاد، شدم همینجور که در تا کسی را بهم میزد من شدم که زن من می گفت "آقا جانم به لب رسیده، بسر شاخ شمشاد منون بیار خونه بود خالان خالی هم کیرمون نمی یاد بیه کی گم که ... تا کسی راه افتاد و بقیه حرفش را نشنیدم داشت من می رفتم آن طرف خیابان که چشم افتاد بیه تا بلوی مغازه روبرو "یا رچه فروشی مقدم" و رفتم تو فکر که اگر یا رچه گروونه "اگر کفش و روغن و تاید گروونه؟ برای این است که هنوز مثال مقدمها و حسین زاده ها و لامعها و بسیاری از کارخانه داران بزرگ پشت پیچیده کارخانه ها را می چرخانند، پشت پیچیده با زار را می چرخانند دولت هم از آنها حمایت می کند ولی تا کی؟ مردم دیگر حاضر نیستند "صرا انقلابی" کنند مردم با بلند کردن صدای اعتراضشان نشان میدهند که خالادگر میخواهند عمل انقلابی کنند.

در صف برنج

در یکی از محلات حسوی تهران، شرکت تعاونی محل برنج توزیع می کند

زندگی روزانه و حمشکنسان، گرفتار بیبای روزانه و این زندگی و آنچه مردم در جریان مشکلات روزانه می گویند خود زنده ترین و گویا ترین بیان واقعیت است.

دوتا کسی

نوی تا کسی نشسته بودم بجز را بنده دو نفر دیگر هم بودند یک آقای بیستیا مس سوار شد یک دستش کیسه پلاستیکی و دست دیگرش یک میله بزرگ بود که از سب تا کسی بیرون نکه داشته بود خانم منی که حا در کلدان مدرسی بود سوهه کیسه پلاستیکی اشاره کرد و پرسید "آقا صابون را چند خریدی" آقای من مثل اینکه منتظر اس سوال باشد گفت "۲۵ آریال همین صابون فیلا ۱۵ ریال بود معلوم نیست دوسه روز دیگر حفر سینه خاتم سرپام آورده هیچ چیز نمی بوی بخری" مردی که جلو نشسته بود یک بالو مشکلی پوشیده بود و وضع بسیار مریخی داشت گفت، این گرانی کار مردم کجا فرست چندبار بنوما ز جمعه گفته شد که گران نفروشد، خودتان ایضا کنید آقای ولی" ای آقای ایضا کجاست؟ کجا فرگدام است؟ گرانی ز سر سر خا حی با زار سهاست که ادعا صون مینداز همه مسلمان ترند، همه جبر را نکه میدان تا تو با زار کم شده و بعد دوسه بار بر میفرود سده هر چه بلا ما بدیخت و بیچاره ها می کشیم از دست خا حی با زار سهاست حکومت هم از همه شون دفاع کرده و می کند و حرف می که من طرفدار مسضعفها هستم ولی در عمل آنکارا دیگر می کنند آقا؟ "گفتم" درسته دولت هی می که گران نفروشد احتکاب، نکنند با حرف که کار درست همیشه اگر راست می که با اسبمه یا سدا روار تشری که دارم محکمان را دستگیر کنند، اون با زاری را که کالاراکران میفرود شد محاربا کند اون کارخانه داری را که شمشاد و روغن و غیره را روز بروز با لایر می برد از کار برکنار کند و خودش توزیع همه کالاها را بدون استثناء بدست گیرد و ... حرف تمام شده بود که همان آقای پالوئی گفت، نه آقا هر جا جنگ باشد گرانی هم هست و تقصیر هیچکس جز عراق نیست باید تحمل کرد" را بنده تا کسی که تا حالا ساکت بود و فقط کهکها هی لیخند میزد ناگهان از کوره در رفت و گفت "مکه ما قبل از جنگ گرونی نداشتیم نه آقا اینها بهانه است دارند سر من و شماروشیره میمالند، چرا زنی بیچاره من تحمل کند اما اونا که نوبتا ختمای سربلک کشیده نیارون نشسته اند راحت بخورند و بخورند و بخواهند جرایخجال من خالی باشد ما کردن کلفتها چندتا چندتا فریزر پیراز گوشت و کوفت و ... داشته باشند" خانم منی برکت و خطاب به مرد ولی گفت "راست می که تا کی باید یک عده زحمتکش کار کنند و یک عده مفت و راحت بخورند، پسریکی یک دونه مسن شوخیه گشته شد اشک آمد و چشمهاش

و عد در سادی در صف ایستاده اند که عمدا ارجا بنوا ده های کارگری و زحمتکش می باشد. خاتم می کند و سری سب در اردو خسته بی نظر می رسد می گوید:

- انکار اون رمان بهتر بود. یعنی حرفی نداره، این رمان هم خواهی حرفی بزنی از آن موقع بدتر می کنی. آقا این سبتری کیسه کیسه میخوان برایش راهیما شکی کس، خدا میدونه که من یک دونه برنج هم خون ندارم. سوهرم ما می بد خرار سومان در آمداره که هزار سومان فسط میدهم. رفتن ما یک و کفتم ندارم که بدم گفتندنداری کدنداری به ما چه. چند روز پیش بجهام رفتم خونه همسایه دیدم بلو یخن، او مدیمن گفت: ما مان منم بلو منحوام. ما هم هجی برنج خون نداریم. انکار که دنیا رو سرم خراب شد. خون بجه کدنداری و ننداری نمی فهمد.

خانمی که حا در کلدان روبرو رنگ و رو رفتن ای سردار می گوید:
- بفرما! کیسه که بیابن حرفها رسیدگی کنه؟ اینها چه مدون دردم میوونو جیه؟! از صبح کلد خرا و دمدمار خونه بیرون واسه ۳ کیلو برنج الان هم ساعت ده و نیمه. چند دقیقه دیکه ظهر میشه هجی درست نکردم. بجه هام میان و گشتم می مونس. بخدا الحاف و بسکه، دیشب روی زمین نمونده از زندگی افتادیم.

زن میان سالی که روی زمین نشستند و به حرفهای آنان گوش میدهند و ارد صحبت میشود:

- تموم این کمردرد و پا دردم از وقتی که توی این صفها می ایستم دوباره عود کرده و زمین گیر شده ام. همش توصف می ایستم. اطلاعاتی که نمی توانم راه برسم، از بس که توصف گوشت و بجم مرغ و تاید و روغن و در دو بی درمون و ایستیم که باس روز افتادم. توصفم که می ایستیم میکن خدا انقلاب.

زن جوانی که بی نظر می رسد و روستائی با شدا لهجه آذریا بیانی می گوید:

- هر کی سما می که "خدا انقلاب" خودشه مگر چکار می کنیم. برنج میدن ما هم او مدیم که بگیریم دیگه. خاتم نسنا جوانی جواب میدهد:

- خدا انقلاب! انقلاب خودش چی باشد!

خانمی که روی زمین نشسته بود می گوید:
- هر کسی به نا می که خدا انقلاب واسد اینکه خودش خونه بوبر کرده و نشسته بعل چراغ تو گرما. اون با بدم من یک خدا انقلاب!

زن روستائی می گوید:

- خوب اگر میخوان که ما خدا انقلاب نباشیم بیارن بدن تو خودها مونس. آن موقع معلوم مننه که خدا انقلاب کنه. وهمان خانمی که حا در رنگ و رو رفتنه، کلداری سردار می گوید:

- بخدا از صبح ساعت ۶ او منم و اسسم توصف. بسس هنوز توصفده های صم. و نیایشی کدا و لصف بودن حتما ارضح ساعت ۵ او مدن و ایستادن او وقت ما شدیم خدا انقلاب. با ناسد کیلو برنج میدن علاوه رزش نداره کد اسبجد و اسسیم. با زه معلوم هم نیست کد ما بر سدا بر سدا!

خبرهایی از جنبش مقاومت خلق کرد

مهاباد

روز پنجشنبه ۱۸/۱۰/۵۹ ساعت ۷/۴۵ بندر ورگشتی پاسداران به سوی نوجوان چهارده ساله‌ای در میسدان علاجی که عازم مغازه کیسول گاز خانگی بود تیراندازی کرده و در نتیجه وی را به شهادت میرسانند و همچنین یک نفر باربر که با گاری دستی خویش از آنجا عبور می‌کرده مجروح می‌شود. نوجوان شهید میرتهرانی نام داشت. این جنایت و سایر تیراندازیهای سیموردختم مردم را برانگیخته است. روز شنبه ۲۰/۱۰/۵۹ حدود ساعت ۱۰ صبح عده زیادی پاسداران سرمایه به میدان قاضی محمد هجوم آورده و به این بهانه که گویا پیشمرگان به داخل شهر نفوذ کرده اند شروع به تیراندازی کرده که بر اثر این تیراندازیها شخصی بنام توری الهی که همکار شورای شهر مهاباد بود از ناحیه پا زخمی می‌شود. بدینال این تیراندازیها شهر متشنج شده با زار بحالت تعطیل در می‌آید. ضمناً شگلواه خمپاره به شهر پرتاب شد که چند خانه را ویران نمود بر اثر اصابت گلوله آتشزایه منزل یوسف مالکی این منزل آتش گرفته و کلی سوخت و جوانی که برای خاموش کردن آتش رفته بود از

ناحیه پا موردا صابت گلوله قرار گرفت.

شب ۲۰/۱۰/۵۹ پیشمرگان مقبوسر تلویزیون و دخانیات را هدف ضربات خود قرار دادند که از میزان تلفات تا کنون اطلاعی در دست نیست. لازم به توضیح است که در تیراندازیهای روز ۲۰/۱۰/۵۹ نقر زخمی شده بعد از مرخص شدن از بیمارستان مسئولین بیمارستان از طرف سپاه پاسداران تهدید شده اند که از این به بعد نباید زخمیان را فوری مرخص کنید بلکه بایستی از سپاه پاسداران اجازه بگیرید (لایباید از آنها (زخمیها) توضیح خواسته شود چرا بدنشان را جلو گلوله‌ها قرار داده اند!)

مریوان

۱۷/۹/۵۹ در این روز پیشمرگان سازمان طبق اختیاری که بدستان رسیده بود از وجود عناصر مزدور زرگاری در روستای بهرام آباد مطلع شده برای این مزدوران کمین می‌گذارند پس از چندی که مزدوران زرگاری از روستا خارج نمی‌شوند پیشمرگان بطرف آبادی حرکت کرده و با تیراندازی مزدوران زرگاری درگیری شروع می‌شود که بعد از مدتی پیشمرگان کومه له نیز در سنگسار پیشمرگان سازمان جای می‌گیرند درگیری ۱۱ ساعت طول می‌کشد پیشمرگان ۱۲ نفر از مزدوران را کشته و ۸ نفر از

آنان را مجروح میسازند متأسفانه در این درگیریها یک پیشمرگه سازمان (پرسنل انقلابی) بنام مختار قلعه ویسی بشهادت رسیده و ۳ نفر پیشمرگان کومه له زخمی می‌شوند که زخمیها را به دزلی برده بعد از مدتی که دزلی به تصرف نیروهای سرکوبگر در می‌آید این سه پیشمرگه فداکار کومه له دستگیر و یکی دیگر از پیشمرگان کومه له بنام ناصر مصطفی سلطانی بشهادت میرسد.

مریوان

بعد از متصرف شدن "دزلی" توسط سرکوبگران و با همکاری قیاده موقت مزدور آمریکا به فکر تصرف "دره کی" و "دمه سو" افتاد که بعد از چندی درگیری توسط پیشمرگان به عقب رانده می‌شوند و در تاریخ ۴/۱۰/۵۹ ارتش بسوی قلعه جی و قلعه گاه حرکت کرد و تا دو کیلومتری این محل پیشروی کرده که پیشمرگان سازمان روبروی آنان سنگر گرفته و به آتش مزدوران پاسخ داده و بعد از مدتی با دادن تلفاتی مجبور به عقب نشینی شدند و پیشمرگان همگی سالم به پایگاههای خود باز گشتند. در ضمن ارتش عراق تا ۶ کیلومتری مریوان پیشروی کرده و در محلی بنام قوچ سلطان مستقر است و با ستون های ارتش ایران قریب ۳ کیلومتر فاصله دارد.

از این پس هنرستان دوسره صبح و بعد از ظهر خواهد بود و اگر کسی قبلاً نداشت با شداخراج میشود. یکی از هنرجویان به درخشان رئیس هنرستان گفت اگر این مسئله بخاطر دانش آموزان است با ایداز آنها نظر خواهی بشود و دلایلش گفته بشود. رئیس هنرستان گفت علتش بشما مربوط نیست. بعد از این هنرجویان تصمیم گرفتند تا یکسره شدن مجدد هنرستان بکلاس نروند. سه روز بعد فروغی مدیر تازه هنرستان در جمع هنرجویان حاضر شد و گفت علت دوسره شدن هنرستان این است که بازده کار و تحصیل شما بهتر و بیشتر شود. یکی از هنرجویان گفت بازده کار زمانی بهتر میشود که وسایل و امکانات کارگاهی کافی باشد. اعتصاب هنرجویان ادامه یافت. بعد از ۶ روز کمیته هماهنگی هنرجویان اعتصابی بخاطر جواد ایجاد شده در منطقه (درگیری بین خدمتدوران ارتشی و پیشمرگه های خلق کرد) تصمیم گرفت که هنرجویان اعتصاب را تمام کنند اما به مبارزه برای یکسره کردن مجدد هنرستان ادامه بدهند.

و از رفتن به کلاس خودداری کردند. خواسته های هنرجویان شامل:
۱- تشکیل شورای دانش آموزی و به رسمیت شناختن از طرف مسئولان.
۲- اخراج مدیر هنرستان بخاطر فحاشی و بدگویی به هنرجویان.
۳- جلوگیری از حیف و میل اموال هنرستان بود.
گروهی از دبیران هنرستان نیز به حمایت از هنرجویان برخاستند. بعد از مدتی افراد مسلح سپاه پاسداران همانند همیشه برای سرکوب این حرکت اعتراضی در محل حاضر شدند و با بی شرمی تمام هنرجویان را تحت عنوان حامیان شاه و شاه پرستان زیر ضرب و شتم گرفتند.

**اعتراض هنرجویان
هنرستان میاندوآب
برای یکسره شدن**

مسئولان هنرستان صنعتی میاندوآب ۱۵ آذر به دانش آموزان اعلام کردند که

**اعتراض
هنرجویان هنرستان
صنعتی شهید پناهی
در سلماس و حمله
سپاه پاسداران**

در پی اعتراض هنرجویان هنرستان صنعتی شهید پناهی به دستگیری دو تن از همکلاسیهای خود و خودداری آنها از رفتن سرکلاس (اکبری) رئیس آموزش و پرورش سلماس در جمع هنرجویان حاضر شد و در پاسخ اعتراض آنها به این دستگیری دست به تهدید و ارباب زد و آخرین حربه او این بود که گفت ضد انقلاب در شما نفوذ کرده است. هنرجویان که پی به هدف او از این حربه پی برده بودند در تصمیم خود مبنی بر برآوردن شدن خواسته های ایشان با برجا ترسندند

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر